

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره سی و یکم، بهمن ۱۳۹۵

- مراسم بزرگداشت دهه فجر و تجلیل از آتش نشانان شهید حادثه پلاسکو
- برگزاری جلسه کارگروه‌های علمی «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»
- دکتر امیری تهرانی: «طرح اعتلای علوم انسانی»، پژوهشی مسئله‌مند است
- برگزاری نشست با مدیران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- موفقیت‌های پژوهشگاه در هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی
- نشست «شناخت شناسی تفسیر راهنما» و تجلیل از شخصیت قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (ره)
- نشست تخصصی «فقه محیط زیست»
- نشست‌های گروه پژوهشی «جامعه و امنیت»
- «تحلیل امن‌ترین کشورها و شهرهای جهان از دیدگاه شاخص‌های بین‌المللی»
- «نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری امریکا؛ تهدیدات و فرصت‌های پیش رو برای ایران»
- «بررسی و تحلیل ۱۰۰ شاخص ترکیبی بین‌المللی»
- «کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره»
- «سواد اخلاقی به عنوان یکی از رهیافت‌های سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی»
- «تبارشناسی نقد»
- «سنجش بین آزمونی توانایی‌های شناختی و روانی حرکتی کودکان بر اساس نظریه CHC»
- «سنجش بین پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل»
- نشست‌های پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل
- «بررسی زمینه‌های مذاکرات بین ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای»
- «دولت‌ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌ها و شباهت‌ها»
- «سخنی در باب تعریف و حدود نظریه سیاسی»
- «درسگفتار «اصول فقه»
- نشست «دو رویکرد در برنامه فلسفه برای کودکان»
- نشست «نقش کتاب سیر حکمت در اروپا در غرب‌شناسی ایرانیان»
- دومین نشست تخصصی انجمن زبان‌شناسی ایران در پژوهشگاه
- نشست «ارتباطات سلامت»

مراسم بزرگداشت دهه فجر و تجلیل از آتش نشانان شهید حادثه پلاسکو



دکتر قبادی: آماده راه اندازی کرسی مطهری شناسی هستیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت فرارسیدن سالگرد ایام پیروزی انقلاب اسلامی، مراسمی را به منظور بررسی ریشه‌ها و ماهیت انقلاب اسلامی، و تقدیر و تشکر از فداکاری‌ها و رشادت‌های آتش‌نشان‌های حادثه پلاسکو با حضور دکتر علی مطهری نائب‌رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار کرد.

در ابتدای این مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن خیرمقدم به دکتر مطهری، با ایراد سخنانی به نقش اندیشه‌های شهید «مرتضی مطهری» در انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «بسیار خوشحالیم که دکتر مطهری به عنوان دانش‌آموخته و اهل نظر در حوزه علوم انسانی و نمایندۀ خاندانی که نماد فکری و مجاهدت پژوهشی انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند، در قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم انسانی کشور و خاورمیانه حضور پیدا کرده است.»

قبادی با تأکید بر این که روزهای سالگشت پیروزی انقلاب اسلامی می‌تواند فرصت مغتنمی برای آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی باشد، یادآور شد: «پژوهشگاه با بیش از ۵۱ سال سابقه درخشان علمی و پژوهشی و برخورداری از بیش از ۱۱۰ عضو هیأت علمی، قریب به ۷۰ پژوهشگر در مدارج کارشناسی ارشد و دکتری، حدود ۲۰۰ کارمند و همکار علمی - تخصصی در قالب ۱۲ پژوهشکده و ۲ مرکز تحقیقاتی و دو هزار استاد و محقق از سراسر کشور که از طریق یک شبکه بزرگ نخبگانی علوم انسانی به نام مرکز نقد و تولید کتاب‌ها و متون درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها به صورت اعضای وابسته با پژوهشگاه مرتبط هستند؛ می‌تواند یکی از شایسته‌ترین و مناسب‌ترین مکان‌ها برای تمرکز بر آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی باشد.»

رئیس پژوهشگاه در ادامه با اشاره به این که طرح بزرگ و ملی اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور نیز با حضور و همکاری بسیاری از نخبگان تراز اول علوم انسانی در این پژوهشگاه در حال اجرا است، خاطرنشان کرد: «طراحی برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه که با

رویکردی گفتمان‌مدار و درون‌زا با مشارکت بیش از ۴۹ عضو هیأت علمی پژوهشگاه و برخی متخصصان صاحب‌نام کشور طراحی شده و اکنون سال دوم اجرا را سپری می‌کند، یکی از نقاط قوت این مجموعه به شمار می‌آید که رهیافت اصلی آن سوق دادن طرح‌های بنیادی به سمت فعالیت‌های راهبردی و حرکت به سوی اجرای طرح‌های کاربردی، مسأله‌محور و تقاضامدار است.»

قبادی همچنین به ظرفیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه و اجرای طرح بزرگ کاربردی ساماندهی حاشیه‌نشینی سواحل مکران از انتهای شرقی استان هرمزگان تا انتهای استان سیستان و بلوچستان که برعهده این مرکز است، اشاره کرد و اظهارداشت: «متأسفانه تاکنون به دلیل نگرانی بیش از حد درباره بخش‌هایی از علوم انسانی، نسبت به کارکردهای بین‌المللی علوم انسانی ایران و مخاطبان جهانی آن غافل مانده‌ایم؛ اما پژوهشگاه در تلاش است تا با بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و ظرفیت تعاملات بین‌المللی مرکز اسناد فرهنگی آسیا و مرکز امام علی (ع) این غفلت را جبران کند. اگرچه برای به سرانجام رساندن این خواسته نمی‌توان از حمایت مادی و معنوی همه دست‌اندرکاران، به‌ویژه مجلس شورای اسلامی و شخص دکتر مطهری چشم‌پوشی کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی امیدوار است با تلاش و اهتمام ویژه‌تر مسیر قانونی هموار شود که مرکز نقد و تولید



دکتر مطهری: انقلاب ایران با انقلاب صدر اسلام قابل مقایسه است



دکتر علی مطهری نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنرانی خود به مناسبت فرارسیدن سی و هشتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، با موضوع: بررسی ریشه‌ها و ماهیت انقلاب اسلامی ابتدا با ابراز خرسندی از حضور در جمع کارکنان و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی گفت: «پس از گذشت ۳۸ سال از انقلاب اسلامی، امروز همه به‌خوبی بر وجوه مختلف ریشه‌ها و ماهیت انقلاب اسلامی ایران اشرف داریم؛ اما طرح دوباره آن نیز به شناخت بهتر ما درباره وجوه اشتراک و تمایز این انقلاب با سایر انقلاب‌های دنیا کمک می‌کند.»

وی با دسته‌بندی کلی انقلاب‌ها به دو بخش عمده و بیان نظریه‌ای که بر ماهیت مادی و اقتصادی همه انقلاب‌ها تأکید دارد، خاطرنشان کرد: «در این نظریه، اصل و دلیل انقلاب بر پایه اقتصاد و مادیات استوار است و تنها مظاهر و نمود بیرونی آن متفاوت است. یعنی ممکن است انقلابی به ظاهر اعتقادی و ایدئولوژیک داشته باشد اما در باطن همه آنها ریشه‌ای مادی و طبقاتی دارد و ناشی از محرومیت طبقه وسیعی از مردم است. در واقع زمانی که این محرومیت‌ها به بالاترین حد ممکن می‌رسند، جامعه به نقطه انفجار می‌رسد و انقلاب رخ می‌دهد. در این تئوری، انقلاب به معنی انفجار است؛ اما شهید مطهری با این دیدگاه به شدت مخالف بود و اعتقاد داشت انقلاب به معنی انفجار، امر مشترک میان انسان و حیوان است و با ذات شعوری انسان فاصله دارد.»

مطهری در ادامه با اشاره به اعتصاب کارمندان صنعت نفت در سال ۵۷، و بروز مشکلات داخلی برای مردم اظهارداشت:

متون علوم انسانی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا و طرح بزرگ اعتلاء علوم انسانی دارای ردیف ویژه اعتبار سالیانه شوند.» وی در بخش دیگری از سخنانش به پیشرفت‌مداری، توسعه‌گرایی، فعالیت تمدن‌سازانه و آینده‌پژوهانه در عرصه انقلاب اسلامی به عنوان روح برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه اشاره کرد و گفت: «از آنجایی که به تعبیر امام راحل، همه آثار شهید مطهری مفید هستند و حتی می‌توان گفت این آثار آینه تفکر انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند و مقام معظم رهبری نیز در پیروی از امام راحل، آثار متعدد پژوهشی شهید مطهری را ممتاز و درخشان می‌دانند، تقاضا داریم با توجه به مأموریت‌های آینده‌پژوهانه برنامه توسعه پژوهشگاه با حمایت ویژه، کرسی «مطهری‌شناسی»، به‌ویژه از منظر مناسبات و پیوند بین نسل‌ها در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی راه‌اندازی شود.»

دکتر قبادی در توضیح دلایل پیشنهاد طرح راه‌اندازی «مطهری‌شناسی» از شهید مطهری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین متفکران موفق در مسأله‌مندسازی یاد کرد و گفت: «شهید مطهری از معدود چهره‌های انقلاب به شمار می‌آید که قادر به خلق مفاهیم نو در عرصه علوم انسانی شد. او معتقد بود که جز با تسلط بر حوزه‌های مختلف معرفت نمی‌توان مسائل اجتماعی و فکری جامعه را حل کرد و این همان چیزی است که در دهه‌های اخیر با نام «تفکر میان‌رشته‌ای» در میان اهالی علم رواج یافته است. ضمن اینکه برای اندیشه‌ورزی خود، تعهد عملی قائل بود. تفکر بین‌رشته‌ای و تسلط میان‌رشته‌ای داشت. مطالعات فلسفی عمیق و خلاقیت نظری فلسفی داشت. از تتبعات و تأملات جامعه‌شناختی برخوردار بود و با تدقیقات تاریخی، سنن پژوهی و سیره‌شناسی اظهار نظر می‌کرد و می‌نوشت. فقیه، کلام‌شناس، تفسیرپژوه، ادب‌شناس و تمدن‌پژوه بود.»

وی در ادامه با یادآوری این نکته که کتاب داستان راستان شهید مطهری در سال ۱۳۴۴ برنده جایزه جهانی یونسکو شده است، گفت: «مطهری در همه فعالیت‌های پژوهشی خود درصدد حل مسأله و پاسخ به نیازها و خلأها برآمده بود و به همین دلیل توانست چالش‌های پراکنده انتزاعی و دشوار را حول یک محور و گفتمان خدمات متقابل یعنی کارکرد مکملی و هم‌افزایانه اسلام و ایران، فرد و جامعه سامان دهد. شهید مطهری در حالی تأکید دارد «اسلام» و «ایران» باید به عنوان دو سرمایه برای پیشرفت کشور تلفیق شوند که بسیاری دیگر به اسم متفکر اسلامی یا متفکر اجتماعی و سیاسی دائماً درصدد ایجاد شکاف عمیق‌تر و مشکل‌تر ساختن مسأله و ممتنع دانستن آشتی ایران و اسلام یا اسلام و ایران برآمده بودند.»

«در حالی که بسیاری از تئوریسین‌های انقلاب بر نفی کارهای اصلاحی و ادامه این اعتصاب و تحمل مشکلات ناشی از آن به منظور رساندن مردم به نقطه انفجار و نزدیک‌تر شدن حادثه انقلاب اصرار داشتند، شهید مطهری این ایده مارکسیستی را رد کرده و به شدت بر شکسته شدن این اعتصاب برای بخش داخلی تأکید داشت. او معتقد بود که در حین مبارزه می‌توان اقدامات اصلاحی مناسبی هم انجام داد. ضمن اینکه این روش کمک می‌کند تا علاوه بر مطرح بودن نگاه تخریبی و نفی صلاحیت نظام پهلوی از سوی امام (ره)، چهره ایجابی و اثباتی او نیز برای مردم روشن شود و به تدریج حکومت را به دست گرفت. به همین دلیل هم پیشنهاد تشکیل هیأتی متشکل از مهندس بازرگان، مهندس کتیرایی و مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای سفر به خوزستان و گفت‌وگو با کارکنان صنعت نفت آبان و تامین نفت داخلی مطرح شد.»

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش درباره نظریه دوم که به ماهیت‌های مختلف انقلاب‌ها اشاره دارد، گفت: «هر انقلابی ماهیت خاص خودش را دارد. برخی ماهیت سیاسی و اقتصادی دارند، بعضی ماهیت اعتقادی و ایدئولوژیک و... انقلاب صدر اسلام و انقلاب اسلامی ایران را باید در زمره انقلاب‌هایی با ماهیت اعتقادی و ایدئولوژیک قرار داد. اگرچه هستند افرادی که معتقدند انقلاب ما انقلابی طبقاتی و اقتصادی است و گاهی برای آن از تعبیر مستضعفین هم استفاده می‌کنند؛ اما حقیقت این است که اگر قرار باشد چنین برداشتی داشته باشیم در واقع انقلاب اسلامی ایران را با نقص تعریف کرده‌ایم چراکه در این قالب انقلاب نتوانسته است قشر ثروتمند و غنی را جذب کند. این در حالی است که این انقلاب با فطرت الهی مردم سر و کار داشت و همه اقشار جامعه در به ثمر رسیدن آن سهم داشتند. پس نباید دچار اشتباه شد و گفت محرومان نقطه آغاز انقلاب بودند و ارزش و اعتبار روح و فطرت همه مردم را پایین آورد.»

وی با تأکید بر پرهیز از به کاربردن تعابیری که سبب انحصاری شدن انقلاب برای قشر و طبقه خاصی از جامعه می‌شود، به

روح آزادی‌خواهی در انقلاب اشاره و خاطرنشان کرد: «گاهی مردم در شرایطی قرار می‌گیرند که آزادی را بر معیشت ترجیح می‌دهند. مانند انقلاب کبیر فرانسه که انقلابی آزادی‌خواهانه بود و شعار اصلی آن آزادی و حقوق انسان‌ها بود. برخی در مورد ماهیت آزادی‌خواهی انقلاب ایران آن را توأم با اسلامی بودنش مطرح می‌کنند و معتقدند که یکی از دلایل انقلاب مردم ایران دستیابی به آزادی در انجام عبادات و مراسم و آداب و رسوم مذهبی بود. اگرچه این نگاه، نگاه کامل و درستی نیست اما باید گفت غلط هم نیست. چرا که اگر رژیم شاه به دو اشتباه بزرگ یکی تغییر مبنای تاریخی تقویم از هجری شمسی به شاهنشاهی و دیگری اشاعه فحشا دست نمی‌زد، به این سادگی‌ها سرنگون نمی‌شد.»

مطهری همچنین با تصریح بر ماهیت اسلامی بودن انقلاب به معنی واقعی کلمه، گفت: «این انقلاب، انقلابی چندبعدی و همه جانبه‌است. یعنی هم جنبه مادی و اقتصادی دارد و هم جنبه آزادی‌خواهانه و معنوی دارد و به طور کلی انقلابی اعتقادی و ایدئولوژیک به شمار می‌آید. اثبات و تشخیص این ادعا هم کار دشواری نیست. شعارهای مردم و انتخاب رهبر می‌توانند عواملی باشند که این ادعا و ماهیت را تثبیت می‌کنند. به‌سختی می‌توان انقلاب ایران را با انقلاب‌های معاصر مقایسه کرد. مثلاً در انقلاب اکتبر روسیه، اگرچه عدالت‌خواهی شعار اصلی به شمار می‌رفت اما جنبه‌های سوسیالیستی‌اش سبب شکست آن در مقابل دنیای سرمایه‌داری شد. شعار عدالت‌خواهی و آزادی انقلاب ما به دلیل برخورداری از مفاهیم اسلامی صاحب روح و ایدئولوژی کاملاً متفاوت‌تری است که آن را تنها با انقلاب صدر اسلام قابل قیاس می‌کند. در حقیقت انقلاب ایران فرزند همان انقلاب به شمار می‌آید که همه آرمان‌ها از جمله عدالت‌خواهی، آزادی، استقلال، معنویت و اخلاق را در قالب و مفهوم اسلامی‌اش دارد.»

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه با مدنظر قرار دادن اینکه ایران جز معدود کشورهایی است که امروز استقلال سیاسی و اقتصادی دارد و حتی راه برای دنیا تعیین و مشخص می‌کند، عنوان کرد:

«در میان استقلال‌ها، استقلال فرهنگی یکی از مهمترین‌ها به شمار می‌آید. چرا که مانع از خودباختگی و خودکم‌بینی فرهنگی می‌شود. شاید امروز نتوانیم ادعا کنیم که به طور کامل هیچ‌گونه خودباختگی نسبت به فرهنگ غربی نداریم ولی به طور نسبی در دستیابی به استقلال فرهنگی موفق بوده‌ایم.»





وی در ادامه به تعبیر شهید مطهری در مورد استقلال مکتبی اشاره کرد و گفت: «به اعتقاد شهید مطهری استقلال مکتبی بالاتر از استقلال فرهنگی است. اعتقاد به مکتب مانع از وام‌گیری ما از سایر مکاتب می‌شود. عدم باور عمیق در کارکردهای مکتب اسلام سبب ایجاد مکتب‌های التقاطی می‌شود. همچنین ممکن است برخی از ملت‌ها به مرحله استصباح فرهنگی برسند؛ چیزی بالاتر از استعمار فرهنگی. در چنین حالتی نیروی مقابل

چنان غلبه می‌کند که قدرت هرگونه تفکر و تصمیم‌گیری را از فرد و جامعه مقابل می‌گیرد. یعنی هرآنچه از سوی بیگانه می‌آید (آداب، رسوم، فرهنگ، زبان، ادبیات، هنر و...) خوب و پسندیده است و هرچه ما داریم بد است. شهید مطهری معتقد است استعمار اقتصادی و سیاسی زمانی توفیق پیدا می‌کند که استعمار فرهنگی توفیق پیدا کرده باشد.»

علی مطهری به اقسام آزادی و شعارهای آزادی‌خواهانه مردم در جریان مبارزات انقلاب اشاره کرد و گفت: «آزادی اجتماعی، معنوی، حیوانی، انسانی و... در زمره نیازهای اساسی و اولیه همه انسان‌ها هستند. در بحث آزادی انسانی می‌توان به آزادی تعقل، تفکر و بیان اشاره کرد. ممکن است این سوال پیش بیاید که حق آزادی بیان از کجا ناشی شده است؟ پاسخ به استعداد و قوه تفکر و تعقل انسان برمی‌گردد. در بین سران انقلاب اسلامی هیچ‌کس به اندازه شهید مطهری بر مساله آزادی بیان تاکید نداشته است. تا جایی که وی معتقد بود احزاب غیراسلامی هم در جمهوری اسلامی آزاد خواهند بود، البته به شرط اینکه با تابلو خودشان به میدان بیایند و حرف خودشان را بزنند و از اسلام و قرآن و نهج‌البلاغه نگویند تا مردم به راحتی راه درست و کامل را تشخیص بدهند و انتخاب کنند.»

وی شعار جمهوری اسلامی را سرچشمه دموکراسی و ارزش‌هایی همچون عدالتخواهی و اخلاق و معنویت نام برد

و عنوان کرد: «جمهوری شکل نظام و اسلامی محتوی آن است. شاید فکر کنید که دموکراسی تعبیر و تعریفی است که ابتدا غربی‌ها آن را ابداع کردند و ما وام‌گیر این تفکر بوده‌ایم اما باید گفت که حکومت حضرت علی نیز گویای دموکراسی است. به طوری که شهید مطهری در کتاب «جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام» در بحث دموکراسی علی، به طور مفصل به این بحث پرداخته است و یادآور شده است که خوارج به عنوان

سرسخت‌ترین دشمنان حضرت علی، تا زمانی که دست به اسلحه نبردند همواره آزاد بودند که حرف بزنند، انتقاد کنند و حتی از بیت‌المال نیز حقوق می‌بردند.»

مطهری در بخش دیگر به عدالت و عدالتخواهی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و یادآور شد: «شهید مطهری می‌گوید عدالت در سلسله علل احکام دین است. یعنی احکام دین مبتنی بر عدالت است نه اینکه آنچه دین می‌گوید عدالت است. عدالت مقیاس دین است، نه دین مقیاس عدالت. آنچه عدل است دین می‌گوید، نه آنچه دین می‌گوید عدل است. این بحث مبتنی بر اصل حسن و قبح ذاتی افعال است که راه معتضله و شیعه را از راه اشاعره در علم کلام جدا می‌کند و می‌گوید که اساساً ما خوب‌ها و بدهای ما قبل دینی داریم. یعنی قبل از اینکه دینی باشد و قبل از اینکه دین چیزی بگوید ما چیزهایی را خوب می‌دانیم و چیزهایی را بد تعریف می‌کنیم؛ و دین بر اساس این حسن و قبح‌ها است. فقیهی که می‌گوید عدالت در سلسله احکام دین است، اگر در موضوعی کتاب و سنت سکوت کرده بود حتماً با مراجعه به احکام عدالتخواهانه اسلام دست به اقدامی خواهد زد که عدالت را جاری کند. البته لازم است تفسیر درست و غیرسوسیالیستی از عدالت داشته باشیم تا بتوانیم علاوه بر جلوگیری از شکاف طبقاتی جامعه‌ای بدون تبعیض داشته باشیم. در واقع جامعه میدان مسابقه است و باید





شرایط حضور برای همه مساوی باشد و آنکه بیشتر از همه تمرین کرده است حتما دستاورد شایسته‌تر و بهتری هم خواهد داشت.»
گفتنی است در پایان این مراسم، دکتر علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، دکتر بروجردی، معاون فرهنگی و دکتر ربانی‌زاده معاون اداری-مالی پژوهشگاه با اهدای مدال افتخار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به حسین مهری، فرمانده عملیات پایگاه آتشنشانی منطقه ۶ و آتش‌نشان‌ها مجید عمادی و مهرداد فتحی از زحمات و فداکاری‌های آتش‌نشان‌های حادثه پلاسکو قدردانی کردند.



برگزاری جلسه کارگروه‌های علمی

«طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»



کارگروه‌های سه‌گانه «طرح اعتلاء» روز دوشنبه ۲۵ بهمن ۹۵ با برگزاری جلساتی، طرح‌های پژوهشی پیشنهادی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در این جلسات که با حضور اکثریت اعضا از میان اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و دیگر استادان و شخصیت‌های علوم انسانی کشور تشکیل شد. در این جلسه حاضران ضمن تأکید بر محور قرار دادن توجه به مسئله علوم انسانی در ایران و ضرورت ارتقای آن، برخی از طرح‌های پیشنهادی را تصویب کردند و برخی دیگر را مستلزم انجام اصلاحات دانستند. در بخشی از این جلسه، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه با ابراز

از مدیران کارگروه‌ها درخواست کرد گزارش مبسوط مباحث را ارائه کنند.

دکتر معین‌زاده، مدیر کارگروه مبانی، گفت: «دو طرح کارگروه پس از بحث و بررسی مورد تصویب قرار گرفت. البته مقرر شد برخی نکات مطرح شده مورد توجه و مراقبت قرار گیرد.» پس از وی، دکتر ملایی‌توانی، مدیر کارگروه تاریخ، نیز با ارائه گزارشی کوتاه یادآور شد: «در کارگروه تاریخ سه طرح مورد بررسی قرار گرفت که خوشبختانه دو طرح تصویب شد و با عنایت به گستردگی شرح خدمات، اعضای حاضر در کارگروه به این نتیجه رسیدیم که انجام این طرح‌ها در بازه زمانی یک سال ممکن نیست و بهتر است مجریان طرح این کار را یا در سه مرحله انجام دهند یا حداقل دو نفر صاحب تخصص به جمع خود اضافه کنند تا به پیشبرد طرح کمک شود.»

آخرین گزارش ارائه شده مربوط به کارگروه کاریست بود که دکتر حسنی‌فر گزارش خود را از بررسی سه طرح و تصویب آنها برای حاضرین ارائه کرد.

دکتر قبادی در ادامه گفت: «اعضای کارگروه‌ها اختیار دارند طرح‌های مطرح شده را به صورت مطلق رد یا قبول کنند یا اینکه طرحی را به صورت مشروط

رضایت از کیفیت بحث‌ها گفت: «خوشبختانه بحث‌ها بسیار سطح بالا و طراز اول بود که از دبیرخانه طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی می‌خواهیم متن این بحث‌های مفید را در اسرع وقت منتشر کنند که قطعاً برای کل کشور و علوم انسانی آموزنده و مفید خواهد بود.»

وی افزود: امیدی که ما برای شکل‌گیری شبکه نخبگانی داشتیم به حول و قوه الهی محقق می‌شود و به عینه می‌بینیم جمع افتخارآمیز کم بدیل دانشمندان طراز اول مؤمن شکل گرفته که با عشق به وطن، انقلاب، علم و حکمت فعالیت می‌کنند.

در ادامه سخنان دکتر قبادی، دکتر فرهاد زیویار، دبیر شورای علمی طرح اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی، گزارش کوتاهی از عملکرد کارگروه‌های مختلف طرح اعتلاء ارائه و



کنند یا اینکه طرحی را به صورت مشروط بپذیرند و در مجموع اعضای حاضر می‌توانند از این اختیار قانونی خود استفاده کنند.

بپذیرند و در مجموع اعضای حاضر می‌توانند از این اختیار قانونی خود استفاده کنند.»
ایشان در خاتمه مراسم یادآور شد: اعضای کارگروه‌ها اختیار دارند طرح‌های مطرح شده را به صورت مطلق رد یا قبول



قدردانی دکتر قبادی از زحمات پرستار پژوهشگاه

به مناسبت سالروز ولادت باسعادت بانوی بزرگ اسلام، حضرت زینب کبری (س) و همچنین روز پرستار، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه و دکتر ربانی‌زاده، معاون اداری مالی، این روز را به پرستار پژوهشگاه، سرکار خانم نانوائی ساوجبلاغی تبریک گفته و از زحمات ایشان قدردانی کردند.



«طرح اعتلای علوم انسانی»، پژوهشی مسئله‌مند است



دکتر سیدمحمد رضا امیری تهرانی، مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه، مسئول نظارت و هماهنگی کارگروه‌های سه‌گانه طرح اعتلاء و عضو شورای سیاستگذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» می‌باشند. با ایشان گفت‌وگویی انجام دادیم تا با این طرح مسئله‌محور و مهم بیش از پیش آشنا شویم.

دکتر امیری تهرانی به برخی سوالات مطرح شده پاسخ داد که در ادامه از نظر تان می‌گذرد:

در ابتدا ممکن است طرح جامع اعتلاء را بیشتر معرفی بفرمائید؟

طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور، به سفارش سازمان برنامه و بودجه آغاز شد. تاریخ آغاز مردادماه سال ۹۴ بود که جناب آقای دکتر قبادی، تعدادی از اعضای هیأت علمی را دعوت کردند تا چارچوب طرح اعتلاء تشریح و تعریف شود، و در جهت تهیه طرح‌نامه اقدام گردد. از این تاریخ بنده ابتدا به عنوان دبیر شورای منصوب شدم که به طور متوسط ۷ عضو داشت: عبارت بودند از آقای دکتر ربانی‌زاده، آقای دکتر حسینی‌فر، آقای دکتر ملایی‌توانی، آقای دکتر معین‌زاده، آقای دکتر دری، آقای مهندس حق شناس. که البته در مقاطع زمانی افرادی اضافه شدند که با توجه به مشغله‌هایی که داشتند شورا را ترک کردند، و عده‌ای نیز بنا به موضوع حضور پیدا می‌کردند. این شورا طرح‌نامه را تهیه کرد و با ارائه به ناظران و داورانی که در جلسات سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شد، حضور داشتند در ۱۱ نسخه اصلاح و تهیه شد که در نهایت مورد تأیید سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت.

ابتدا به مرور تاریخی طرح جامع اعتلاء می‌پردازم تا در ادامه به محتوا بپردازم. در خردادماه سال ۹۵ بود که پس از پذیرش طرح‌نامه توسط سازمان برنامه و بودجه، «فاز صفر» طرح‌نامه در دستور قرار گرفت. طی ۵ ماه فاز صفر طرح‌نامه که ناظر بود به تهیه موضوعات تفصیلی طرح‌نامه و همچنین برگه‌های سفارش پژوهش (در اصطلاح RFP) انجام گرفت، در واقع شرایط و ویژگی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناختی اجرایی پروژه که بنده در این مرحله به عنوان مدیر هماهنگی و نظارت بر کار کارگروه‌های سه‌گانه تهیه فاز صفر حضور داشتیم.

در طرح جامع اعتلاء بیشتر به چه موضوعاتی می‌پردازید؟

در مورد اینکه طرح اعتلاء در چه موردی بحث می‌کند باید بگویم

که طرح اعتلاء در واقع یک طرح مسئله‌محور است و مهمترین مسئله آن این است که چالش‌هایی که فراروی علوم انسانی است را مورد توجه و کانون پژوهش و تحقیق خود قرار دهد. همانطور که استحضار دارید علوم انسانی با چالش‌ها و علامت سوال‌های مختلفی مواجه است و از نگاه‌های مختلفی مورد پرسش قرار می‌گیرد. بعضی‌ها می‌گویند که علوم انسانی کارآمد نیست و کارایی ندارد! مهارت‌افزا نیست و دانش آموختگان آن مهارتی ندارند و نقشی در جامعه ایفا نمی‌کنند یا به تعبیر خودمانی نیازی را برطرف و دردی را دوا نمی‌کند. یک سری علامت سوال در برابر علوم انسانی وجود دارد که این طرح کانون توجه خود را به این مهم معطوف کرده که بی‌طرفانه و به طور علمی این رویکردها را مورد بررسی قرار دهد تا معلوم شود آنچه که از سوی دیدگاه‌های مختلف و منتقدان علوم انسانی مطرح می‌شود، آیا وارد است یا خیر! و این که تا چه حد این تعبیرها و نقدها وارد است و کجا وارد است و کجا وارد نیست؟ بنابراین نگاه خود طرح به این چالش‌ها نگاه بی‌طرفانه‌ای است و تلاش بر این است که پیش داوری نکند و این علامت سوال‌ها را به روش علمی بررسی کند و به آنها پاسخ دهد.

آیا در بررسی‌های خود به نتایجی دست یافته‌اید؟

وقتی برخی چالش‌های پیش روی طرح اعتلاء مورد مطالعه قرار گرفت در نهایت به شش مسئله عمده در مورد علوم انسانی رسیدیم که این شش مسئله، مسائل کلی است که طرح اعتلاء به آن می‌پردازد. من به طور کلی این مسائل را مطرح می‌کنم که ذیل این مسائل، عناوین و موضوعات تحقیقاتی ریزتر و به

تعبیری پروژه‌های تحقیقاتی در مرحله فاز صفر تعریف شده است. مسأله اول؛ علوم انسانی و مهارت است، به این معنی که آیا علوم انسانی به دانش آموختگان خود مهارتی می‌آموزد یا خیر؟ بی‌شک این موضوع تأثیر خودش را در بحث اشتغال و بیکاری دانش آموختگان نشان می‌دهد. بنابراین مسأله اشتغال و بیکاری دانش آموختگان نیز ذیل مسأله علوم انسانی و مهارت مطرح می‌شود.

مسأله دوم؛ نسبت و رابطه علوم انسانی و جامعه است. به این معنی که جامعه چه انتظاری از علوم انسانی دارد؟ جامعه توقع دارد علوم انسانی چه کارهایی را انجام دهد و چه مسائلی را حل کند؟ جامعه برای آنکه بتواند مأموریت خود را انجام دهد توقع چه کمک‌ها، پشتیبانی‌هایی دارد؟

مسأله سوم؛ بحث علوم انسانی و نهادهای اجرایی و نسبت و رابطه این دو است. به این معنی که رابطه علوم انسانی و نهادهای اجرایی آیا رابطه محکمی هست یا اصلاً رابطه‌ای بین این دو وجود ندارد و نهادهای اجرایی برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آنچه که به علوم انسانی برمی‌گردد به متخصصان علوم انسانی رجوع می‌کنند؟ از آنها نظر می‌خواهند و طرح‌های پژوهشی را به آنها می‌سپارند؟ آیا از آنها سیاست‌های اجرایی را طلب می‌کنند و راهکار از آنها می‌خواهند یا خیر و اگر نظر و راهکار می‌خواهند، آیا آنها را به کار می‌برند؟ و این سیاست‌ها توصیه و راهکارهای پیشنهادی را اجرا می‌کنند؟ از طرف دیگر آیا علوم انسانی می‌تواند آنچه که مورد نیاز نهادهای اجرایی است را فراهم سازد و متخصصان علوم انسانی از این توان برخوردارند که به صورت مسأله‌محور پروژه‌های تحقیقاتی را اجرا کنند؟ مسائل و مشکلات جامعه را مورد تحلیل قرار دهند و بر اساس این تحلیل، سیاست و راه حلی را پیشنهاد دهند یا خیر؟ مسأله چهارم؛ بحث علوم انسانی و پیشرفت است. به این معنی که در اصل علوم انسانی و پژوهش‌های علوم انسانی چه نقشی در پیشرفت کشور در زمینه‌های مختلف، از بُعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گرفته که دقیقاً مقولات انسانی هستند تا حتی پیشرفت‌های فنی، تکنیکی، فن‌آورانه و... دارند. آیا علوم انسانی می‌تواند در این زمینه‌ها کمک کند و آیا در برنامه‌ریزی توسعه و پیشرفت پنج ساله کشور از علوم انسانی، کمک خواسته می‌شود و اگر خواسته می‌شود آیا ترتیب اثر داده می‌شود؟ این جوانبی است که در مسأله چهارم ما یعنی مسأله علوم انسانی و پیشرفت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسأله پنجم؛ علوم انسانی و فن‌آوری است. اینکه نسبت علوم انسانی و فن‌آوری در جامعه به چه نحوی است یا شایسته است که به چه نحوی باشد؟ چرا که الان در جهان تکنیک، فن‌آوری و تکنولوژی فقط از نگاه فنی و مهندسی دیده نمی‌شود بلکه هر پدیده فن‌آورانه را به عنوان یک سیستم اجتماعی-تکنیکی می‌بینند. یعنی یک فن‌آوری جدید، مثلاً تلفن همراه ضمن اینکه یک بعد فنی و مهندسی دارد؛ به عنوان یک سیستم اجتماعی-تکنیکی شامل مباحث فرهنگی و اجتماعی نیز هست. با این

نگاه، ما باید در هر مطالعه فن‌آورانه و تکنولوژیک نیز، ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی آن را ببینیم. آیا این نسبت در جامعه ما وجود دارد و برقرار است؟ و یا اصلاً مطالعه می‌شود یا نه و به چه نحوی علوم انسانی باید به فن‌آوری کمک و آن را یاری کند؟ تمام این موضوعات در این مسأله مطرح می‌شود.

مسأله ششم؛ بحث علوم انسانی و قدرت است. طبیعتاً مسأله علوم انسانی می‌تواند یکی از منابع قدرت هر کشوری باشد و بنابراین به‌طور طبیعی با قدرت نسبتی برقرار می‌کند. قدرت که می‌گوییم نه فقط به عنوان قدرت سیاسی یا حاکمیت یا دولت؛ البته این یکی از آنهاست. اما در رده‌های پایین‌تر و بالاتر از آن باید نسبت «علوم انسانی و قدرت» تعریف شود. یعنی که علوم انسانی چه کمکی می‌تواند به حاکمیت، انسجام، یا همبستگی داخلی ملی، افزایش قدرت و توان کشور در برابر تهدیدهای خارجی کند؟ همچنین مشارکتی که مردم می‌توانند در علوم انسانی، به عنوان یکی از منابع قدرت داشته باشند، به چه نحوی تعریف می‌شود؟

بنابراین مسأله عمده طرح اعتلاء، چالش‌های فراوری علوم انسانی در ذیل شش مسأله کلی تعریف شده است.

با این توصیف رویکرد شما به این شش مسأله چیست؟

در طرح اعتلاء با تحلیلی که بر روی مسائل جامعه انجام شد، سه رویکرد یا سه سطح از تحلیل مورد نظر قرار گرفت. یعنی اینکه هر یک از این شش مسأله هر کدام به تنهایی در سه سطح مورد مطالعه قرار گرفت.

سطح اول؛ این است که اگر علوم انسانی با چالش‌هایی مواجه هست، به این خاطر است که از علوم انسانی به نحو مناسبی در رفع نیازها و مشکلات جامعه استفاده نشده است. چرا که عده‌ای می‌گویند، اگر علامت سوال‌هایی در برابر علوم انسانی مطرح شده به این خاطر است که در واقع مجالی فراهم نکرده‌اند که علوم انسانی بتواند در رفع نیازها و مشکلات جامعه ایفای نقش کند. بنابراین دیدگاه، خود علوم انسانی دچار نقص و کاستی نیست بلکه تاکنون از علوم انسانی آن طور که باید و شاید استفاده نشده است. یعنی علوم انسانی را در امور جاری به کار نبسته‌اند و توصیه‌های آن‌را نشنیده‌اند و سیاست و راهکارهای آن را هم ندیده‌اند. به همین دلیل است که علوم انسانی مورد تردید و سوال قرار گرفته است. پس یک سطح از تحلیل، سطح «کاربست» علوم انسانی است.

سطح دوم؛ این است که عده‌ای معتقدند چالشی که فراوری علوم انسانی قرار دارد، به این دلیل نیست که علوم انسانی را به کار نبسته‌اند. چرا که اگر به کار هم می‌بستند نمی‌توانست مشکلات ما را حل کند. این چالش و علامت سؤال در واقع در برابر آن مکاتبی از علوم انسانی است که ما از غرب وارد کرده‌ایم. خاستگاه علوم انسانی غرب است و در غرب علوم انسانی از



مکاتب، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی برخوردار است، اما آن رویکردها یا مکاتبی از علوم انسانی که طی این هشتاد، نود سال وارد کشور شده است، و نوع اقتباس علوم انسانی و ورود آن به کشور محدود به دیدگاه‌های مشخصی از علوم انسانی است و به این دلیل است که علوم انسانی نتوانسته است راهگشای مسائل و مشکلات ما باشد. پس سطح دوم از تحلیل بر نحوه اقتباس و انتقال علوم انسانی از خاستگاهش (غرب) ناظر هست. این نگاه می‌گوید اگر ما دیدگاه‌ها و مکاتب علوم انسانی متناسب با شرایط جامعه را اقتباس کرده بودیم، آنها می‌توانستند مسائل و مشکلات کشور را حل کنند. پس سطح دوم از تحلیل در واقع ناظر به نحوه انتقال و اقتباس علوم انسانی به کشور است که به علوم انسانی موجود در کشور نگاهی تاریخی دارد.

سطح سوم؛ این تحلیل دیدگاه کسانی را منعکس می‌کند که می‌گویند منشأ چالش فراروی علوم انسانی نه «کاربست» علوم انسانی است و نه «نحوه اقتباس و انتقال علوم انسانی» به کشور، بلکه این چالش ناشی از «ماهیت و مبانی» علوم انسانی است که در غرب شکل گرفته و رشد کرده است. این نگاه معتقد است که علوم انسانی متأثر از «مبانی» فرهنگی و متافیزیکی جامعه‌ای است که علوم انسانی در آن رشد می‌کند. بنابراین معتقدند که این علوم انسانی از مبانی‌ای برخوردار است که با فرهنگ و متافیزیک ما سازگار نیست و به همین دلیل در کشور ما دچار چالش‌هایی شده است. پس اگر بخواهیم نیازها و مشکلاتمان را مطالعه، بررسی و تحلیل کنیم و سیاست‌ها و راهکارهایی ارائه دهیم ضروری است در مبانی علوم انسانی یک نگاه نقادانه داشته باشیم. پس سطح سوم تحلیل در سطح «مبانی» علوم انسانی است.

بنابراین در نگاه کلی به طرح اعتلاء می‌توان گفت که طرح اعتلاء به چالش‌های فراروی علوم انسانی می‌پردازد و ذیل آن شش مسأله تعریف می‌کند، و هر یک از آن مسائل را از سه سطح مورد تحلیل قرار می‌دهد. یک مورد آن را عرض کنم، مثلاً علوم انسانی و مهارت. یک بار از نگاه «کاربست» مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی این که آیا علوم انسانی موجود می‌تواند مهارت افزایی کند یا خیر؟ همین بحث علوم انسانی و مهارت از سطح تاریخ، اقتباس و انتقال علوم انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی علوم انسانی موجود اگر نمی‌تواند مهارت‌افزایی کند آیا ناشی از نوع اقتباس علوم انسانی است که ما داشته‌ایم یا اگر علوم انسانی‌ها و مکاتب دیگری از علوم انسانی را منتقل کرده بودیم می‌توانست قدرت مهارت افزایی داشته باشد یا خیر؟ سطح سوم تحلیل می‌گوید که آیا این علوم انسانی متعارف به لحاظ ماهیت و مبانی، ظرفیت و توان آن را دارد که مهارت‌افزایی کند یا اینکه نباید از این علوم توقع و انتظار مهارت‌افزایی داشته باشیم؟ و اگر چنین است، چه نوعی از علوم انسانی از این قابلیت برخوردارند که مهارت‌آموزی کنند.

همانطور که عرض شد در طرح نامه‌ای که طی ۹ ماه تهیه کردیم، کلیات این شش مسأله عمده و همچنین سه سطح تحلیل «کاربست، تاریخ و مبانی» مطرح شده است. در ادامه

این طرح‌نامه، فاز صفر را پیش بردیم توسط شورایی که اعضای اصلی آن آقایان دکتر معین‌زاده، دکتر ملایی‌توانی و دکتر حسنی‌فر به عنوان مسئولان فاز صفر بخش‌های مبانی، تاریخ و کاربست بودند و آقای دکتر زیویار به عنوان دبیر کمیته علمی و سرکار خانم کمالی‌زاده به عنوان دبیر شورای سیاست‌گذاری نیز به جمع ما افزوده شدند. این شورای دبیران مسئولیت تهیه و تعریف فاز صفر را بر عهده داشت. همانطور که عرض شد، فاز صفر دو هدف اصلی داشت. اول این که با توجه به سه رویکرد کلی که عرض شد و شش مسأله عمده‌ای که مطرح کردیم، سعی کرد ذیل هر مسأله با هر یک از این رویکردها موضوعات و عناوین پروژه‌های تحقیقاتی را تهیه کند که در مجموع تاکنون حدود ۱۳۵ موضوع و پروژه تحقیقاتی در طرح اعتلاء تعریف شده است که هر یک از این عناوین و موضوعات به عنوان یک طرح پژوهشی قابل واگذاری به هریک از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و احياناً همکارانی از خارج پژوهشگاه است.

هدف دوم این است که برای هریک از موضوعات و عناوین طرح پژوهشی یک برگه سفارش پژوهش (RFP) تهیه شود. در این RFP به اختصار مسئله و موضوع طرح، توضیح و تعریف شده است. در برگه سفارش پژوهش از مجری خواسته می‌شود که با توجه به مسأله، موضوع، روش‌شناسی پژوهش، پرسش‌ها و چارچوب تحلیلی که تعریف شده است، طرح‌نامه خود را تنظیم و ارائه کند. در واقع برگه‌های سفارش پژوهش یا RFP، شرایطی است که باید مجریان هریک از این یکصد و سی و پنج موضوع تحقیقاتی آنها را در تعریف و نگارش طرح‌نامه خود مدنظر قرار دهند. بنابراین RFP سطح کیفی طرح‌نامه‌ای را که قرار است توسط مجری ارائه گردد، تعیین می‌کند.

روند تصویب طرح‌ها چگونه است؟

طرح اعتلاء در حال حاضر از فاز صفر عبور کرده و ما توانسته‌ایم قریب به بیست طرح پژوهشی از همین عناوین صد و سی و پنج‌گانه را از مجریان دریافت کنیم. اشاره‌ای هم به فرآیند بررسی، تصویب و ساختار طرح اعتلاء و آیین‌نامه آن داشته باشیم. طرح اعتلاء شامل یک شورای سیاست‌گذاری است که در بالاترین سطح قرار دارد. بعد از آن کمیته علمی است که دارای سه کارگروه تخصصی است. همچنین دارای یک دبیرخانه و شورای دبیران است که کارها را مدیریت می‌کنند و گردش کار به این نحو است که طرح رسیده ابتدا در شورای دبیران مطالعه و بررسی کلی می‌شود و بعد از آن داوران در مورد طرح‌ها نظر می‌دهند. پس از این که طرح اصلاح شد در کارگروه تخصصی مورد بررسی و بحث و اصلاحات نهایی قرار می‌گیرد و در نهایت کارگروه طرح‌های مصوب را در کمیته علمی ارائه می‌دهد و در آنجا تصویب می‌شوند. سرانجام پس از تصویب طرح‌نامه‌ها در کمیته علمی، در شورای سیاست‌گذاری تأیید و دستور اجرا و انعقاد قراردادها صادر می‌شود.

برگزاری نشست با مدیران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

دکتر قهرمان سلیمانی، معاون پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به همراه جمعی از مدیران این سازمان، روز شنبه ۳۰ بهمن با دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه و سایر مدیران پژوهشگاه دیدار و گفتگو کرد. در ابتدای این دیدار، دکتر قبادی با تأکید بر ضرورت یکپارچگی و وحدت رویه نهادهای علمی و فرهنگی در فضای بین‌المللی، آمادگی پژوهشگاه را برای مشارکت در پیشبرد اهداف فرهنگی دیپلماتیک کشور اعلام کرد.



در ادامه، دکتر سلیمانی با تأیید ضرورت انسجام در فعالیت‌های بین‌المللی فرهنگی کشور، گفت: «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در شکل‌گیری دبیرخانه گفتگوهای فرهنگی بین‌المللی، از وزارت علوم درخواست شد که دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خاص هر کدام، در هسته‌های مختلف این حرکت بین‌المللی مشارکت داشته باشند که بر همین اساس، پژوهشگاه به عنوان یکی از

نهادهای محوری در گفتگوهای فرهنگی با جهان عرب انتخاب شده است.»

دکتر ربانی‌زاده، رئیس مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی نیز با اعلام اینکه نشست وزیران فرهنگ کشورهای آسیایی سال آینده در ایران برگزار خواهد شد، گزارشی از فعالیت‌های متنوع سازمان در زمینه گسترش فضای گفتگو و همکاری میان فرهنگی با کشورهای مختلف ارائه کرد. وی با یادآوری اینکه در صورتی که میزبانی این گفتگوها از سوی نهادهای علمی و پژوهشی انجام گیرد با استقبال بیشتری روبرو خواهد شد، پیشنهاد کرد: «پژوهشگاه با توجه به حضور مرکز اسناد فرهنگی آسیا، برگزاری مجمع آسیایی گفتگوهای فرهنگی را بر عهده گیرد و دبیرخانه گفتگوهای آسیایی در این پژوهشگاه تأسیس شود.»

پس از آن، دکتر دکتور رخشنده، رئیس مرکز بین‌المللی توسعه همکاری‌های علمی - دانشگاهی سازمان، با اشاره به سیاست جذب دانشجویان غیرایرانی در دانشگاه‌های کشور، ظرفیت‌های پژوهشگاه در رشته‌های خاص را مورد تأکید قرار داد و از این نهاد علمی خواست در این زمینه مشارکت کند. وی با اعلام اینکه بر آن هستیم تا سال آینده اجلاس رؤسای دانشگاه‌های کشورهای عضو اکو را در کشور برگزار کنیم، گفت: «به‌منظور ارتقای ارتباطات علمی کشور، طرحی در دست بررسی داریم که بر اساس آن، پژوهشگران غیرایرانی می‌توانند با معرفی این سازمان، در دوره‌های کوتاه مدت یک ماهه، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور حضور یابند و با پژوهشگران ایرانی

به انجام فعالیت‌های مشترک مشغول باشند.»

همچنین دکتر عمید، مدیر گروه مطالعات آسیا و اقیانوسیه، از تشکیل شورای سیاستگذاری گفتگوهای آسیایی در این سازمان خبر داد و از پژوهشگاه خواست با معرفی نماینده، در ارتقای سطح فعالیت‌های صورت گرفته در این شورا مشارکت کند.

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه در ادامه این جلسه با تمجید از فعالیت‌ها و رویکرد نوین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که با هدف گسترش فضای گفتگوهای فرهنگی و با همکاری نزدیک مراکز



علمی و دانشگاهی انتخاب شده است، این رویکرد را یک رویکرد کاربردی و مؤثر خواند و تأکید کرد: «در این مسیر، مهم‌ترین سرمایه کشور، مراکز علمی و شخصیت‌های فرهیخته فعال در علوم انسانی است که پژوهشگاه را به جرأت می‌توان نهادی محوری دانست که سابقه تاریخی و تمدنی آن، نشان از وجود زیرساخت‌های کافی برای همکاری در این عرصه دارد. اما نکته مهم آن است که مشخص شود حیطه اختیارات و وظایف هر نهاد و سهم هر طرف از این فعالیت‌ها چیست؟»

دکتر محمدرحیم ربانی‌زاده معاون اداری، مالی و مدیریت منابع و رئیس کارگروه همکاری‌های علمی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی لبنان در پژوهشگاه علوم انسانی نیز با ارائه گزارشی از بازدید که از دانشگاه‌ها و مراکز علمی لبنان صورت گرفته است، توصیه کرد: «سیاست‌های علمی بین‌المللی به جای تمرکز بر جذب دانشجویان غیرایرانی، بر گسترش فعالیت‌های مشترک علمی و پژوهشی و برگزاری دوره‌های مشترک آموزشی برنامه‌ریزی شود.»



دکتر تنکابنی رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا نیز با تأکید بر اینکه فعالیت‌های این مرکز بر مبنای ارائه پاسخی میان فرهنگی برای مسائل خاص و مشخص فرهنگ‌های آسیایی جهت‌گیری شده است، «پرهیز از خشونت» و «صلح و دوستی میان فرهنگ‌ها» را مفاهیمی دانست که مرکز به دنبال

تحقق آن است و گسترش فرهنگ دوستی و صلح را مهم‌ترین هدف راهبردی این مرکز در چارچوب برنامه پنج ساله آن دانست. پس از آن، دکتر اشرف بروجردی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه با تأکید بر ماندگاری و تأثیر درازمدت فعالیت‌های فرهنگی، از عدم انسجام و برنامه‌ریزی بلندمدت در زمینه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی انتقاد کرد و از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی خواست شاخصه‌های فعالیت‌های فرهنگی در عرصه بین‌المللی را تعیین و اولویت‌بندی کند تا نهادهای دیگری که در این عرصه وارد می‌شوند بتوانند بر اساس این شاخص‌ها هدف‌گذاری کنند و تمام این فعالیت‌ها در یک چارچوب مشخص صورت پذیرد.

معاون پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز با تصدیق ضرورت گسترش گفتگوها در حوزه‌های مختلف مانند گفتگوی ادیان و فرهنگ‌های قاره‌ای، نقش سازمان را تمهید زمینه‌ها و امکانات لازم برای گفتگوها دانست و تأکید کرد که انجام گفتگوها در سطح نخبگانی دانشگاهی میسر است و در این زمینه، سازمان‌هایی مانند پژوهشگاه نقش مؤثری را بر عهده دارند. در پایان، توافق شد شورای سیاست‌گذاری گفتگوهای آسیایی در پژوهشگاه تشکیل شود و نمایندگانی از دو طرف، زمینه‌های اجرایی شدن نتایج گفتگوها و همکاری سازمانی را مورد بررسی قرار دهند و اقدامات لازم در این زمینه صورت گیرد.



موفقیت‌های پژوهشگاه در هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی

در هشتمین جشنواره بین‌المللی فارابی، مجله «پژوهش‌نامه انتقادی» به عنوان نشریه برتر و کتاب «دین در زمانه و زمینه مدرن» به عنوان کتاب شایسته تقدیر در حوزه علوم اجتماعی شناخته شد.

مراسم اختتامیه هشتمین جشنواره فارابی روز یکشنبه مورخ ۲۴ بهمن ۹۵، با حضور دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور، دکتر محمد فرهادی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مسئولان و اندیشمندان حوزه علوم انسانی در سالن اجلاس سران برگزار شد.

دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور کشورمان پس از تجلیل از نفرات برتر جشنواره بین‌المللی فارابی با اشاره به اینکه دولت با تمام قدرت و تا آخر برای اجرای وعده‌هایش می‌ایستد، گفت: «ما باید فضای گفتگو را فراهم کنیم. اگر در دانشگاه‌های ما فضای علمی و فضای گفتگو باشد، بهتر می‌توانیم از اسلام استفاده کنیم.»

روحانی در ادامه سخنانش گفت: «چرا در علوم انسانی ما اینقدر به ظاهر عقب افتادیم. از نظر آمار و ارقام ظاهری در آن علمی که غربی‌ها بیشتر فعال بودند، ما امروز رشد کرده و به آنها رسیده‌ایم. الان در پزشکی و در خیلی از رشته‌های دیگر در حد غرب هستیم و انصافاً در علوم پزشکی بسیار قابل و توانمند هستیم. در فناوری‌های نو پیشرفت ما بسیار قابل ملاحظه است. آن وقت چطور است که در علوم انسانی با آن همه سابقه، تاریخ و آثار ارزشمند و بزرگان، عقب هستیم؟ هم در تحقیقات بنیادین عقب هستیم و هم در تحقیقات کاربردی. این همه مشکلاتی که در جامعه داریم، طلاق، اعتیاد و هزار معضل اجتماعی دیگر، چه کسی باید به ما راه حل بدهد و کمک کند مگر این موضوعات مربوط به علوم انسانی، علوم اجتماعی و حقوق نیست؟ چه اشکالی در قوانین و دادگاه‌ها و سبک زندگی ما هست که مقام معظم رهبری همیشه بر آن تأکید می‌کنند؟ مگر سبک زندگی برای علوم انسانی و اسلامی نیست. اینها برای فیزیک و شیمی که نیست؟ مربوط به علوم انسانی است. چه کسی باید این سبک زندگی را تبیین، تعریف کند و جا بیندازد.»

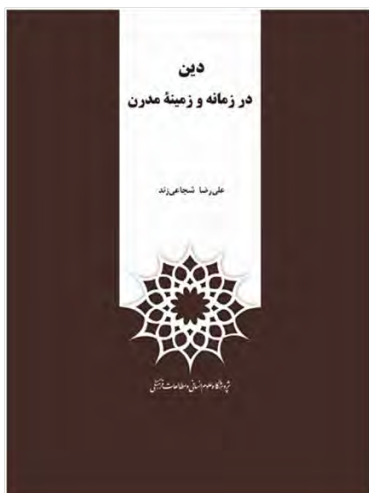
روحانی در خاتمه افزود: «از لحاظ کاربردی و از لحاظ بنیادی نیازمند هستیم. ما نظریه چندان نوبی در زمینه علوم اسلامی، اجتماعی و انسانی نداریم و دستمان خالی است. در همین تحقیقات نگاه کنید ببینید که چرا ما باید اینقدر عقب باشیم و نتوانیم جبران بکنیم. این علوم بالاترین وظیفه را بر عهده دارند. آیا در حال حاضر بخش بزرگی از مشکل اجتماعی ما، اقتصادی نیست؟ همین علم اقتصاد در تقسیم‌بندی کجا قرار دارد. مگر اقتصاد در همین علوم انسانی نیست.

در این جشنواره که با پیام «حرکت به سمت جامعه‌ای پویا» شکل گرفته بود، یونسکو، آیسیکو،

بنیاد ملی نخبگان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و... مشارکت داشتند. بنا بر گفته دکتر ضیاء هاشمی، معاون فرهنگی وزارت علوم در دوره هشتم، چهار هزار و صد اثر مورد ارزیابی قرار گرفت و ۹ اثر برگزیده و ۸ اثر شایسته تقدیر شناخته شد؛ که در بین

برگزیدگان، محققان خارجی از کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، بلژیک، لبنان، هلند و سوریه نیز حضور داشتند.

در میان برگزیدگان هشتمین جشنواره فارابی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با دو نماینده حضوری پررنگ داشت؛ کتاب دین در زمانه و زمینه مدرن، اثر دکتر علی‌رضا شجاعی‌زند چاپ انتشارات پژوهشگاه، به عنوان اثر شایسته تقدیر در زمینه علوم اجتماعی انتخاب شد و همچنین نشریه پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، به عنوان نشریه برتر در حوزه علوم انسانی برگزیده شد.



گزارشی از نشست «شناخت‌شناسی تفسیر راهنما» و تجلیل از شخصیت قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (ره)

پژوهشکده مطالعات قرآنی و معاونت فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، نشست «شناخت‌شناسی تفسیر راهنما» و تجلیل از شخصیت قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (ره) را برگزار کرد. سخنرانان اصلی این نشست حجت‌الاسلام آقای دکتر ایازی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، حجت‌الاسلام آقای یوسفی مقدم رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن و سرکار خانم دکتر فروغ پارسا مسئول پژوهشکده مطالعات قرآنی، پژوهشگاه بودند.

این نشست در روز دوشنبه ۱۸ بهمن ساعت ۱۴ الی ۱۶ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور فرزندان ارشد مرحوم آیت‌الله هاشمی، مهندس محسن هاشمی و حجت‌الاسلام حشمتی معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی دیگر از اساتید و پژوهشگران برگزار شد.

در آغاز مراسم، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن خوشامدگویی به حضار گفتند: «آیت‌الله هاشمی برای پیروزی انقلاب اسلامی مجاهدت‌های بسیاری را انجام داد و مانند مرحوم آیت‌الله موسوی



اردبیلی از چهره‌های نادر انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

دکتر قبادی، استراتژیست بودن و اعتدالگرایی را در شمار خصوصیات بارز آیت‌الله هاشمی دانست و گفت: «ایشان اکثر روزهایشان را به کار علمی و پژوهشی و حفظ منافع ملت سپری می‌کردند. از طرفی مرحوم هاشمی باعث پیوند نسلی شدند؛ یعنی پل ارتباطی آرمان‌های امام‌راحل با جوانان ایرانی بودند، چرا که آیت‌الله هاشمی ارتباط خوبی با نسل‌های مختلف پس از انقلاب به ویژه جوانان داشتند.» رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد: «آیت‌الله هاشمی هیچ‌وقت کار علمی را کنار نگذاشت و حتی در ضمن مسئولیت‌های سنگین، فعالیت‌های علمی انجام می‌داد. بسیاری معتقدند که ایشان با قرآن کریم شهود داشتند؛ به عبارتی آیت‌الله هاشمی قرآن را نمی‌خواند یا گوش نمی‌داد، بلکه این کتاب آسمانی را می‌نویسید.»

همچنین در این مراسم خانم دکتر بروجردی، معاون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز گفت: «من همواره گفته‌ام که مرحوم هاشمی، زبان و شناسنامه انقلاب اسلامی بود. من ایشان را آموزگار انقلابیون می‌دانم.»

او در ادامه افزود: «رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام، علم، آگاهی و دانش را جزو ضرورت‌های جامعه بشری می‌دانست؛ حتی به خاطر دارم که در برنامه اول توسعه، آیت‌الله هاشمی توجه زیادی به علم و دانش و فهم و آگاهی مردم کرده بود، بنابراین از دیدگاه من و بسیاری از پژوهشگران ایشان شخصیت بسیار والا و بزرگی داشتند.»

دکتر بروجردی در بخش دیگری از سخنان خود به رابطه آیت‌الله هاشمی با مردم اشاره کرد و گفت: «مرحوم هاشمی



عاشق مردم ایران بود. عشق باعث تکامل انسانی می‌شود؛ بنابراین او برای عشقش و همچنین آگاهی و فهم مردم هر گونه فداکاری را انجام داد.»

در ادامه خانم دکتر پارسا مسئول پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه با اشاره به شخصیت قرآنی آیت‌الله هاشمی گفت: «در سده ۱۴ ما با یک تحول مبنایی در تفسیر قرآن مواجه هستیم. درواقع با حرکتی که سید جمال در جهان اسلام ایجاد کرد به یکباره



رویکردهای تفسیری متحول شد و سید که از عقب ماندگی و تحت سلطه قرار گرفتن مسلمانان به شدت رنج می‌برد، راز نجات و رستگاری مسلمانان را در بازگشت به قرآن دید. در واقع گفتمان عصری‌سازی فهم و تفسیر قرآن کریم از حرکت سید و با او شروع می‌شود و یکی از ویژگی‌های تفاسیر معاصر؛ بازگشت به قرآن با رویکرد عصری اجتماعی است.»

از نگاه پارسا، تفسیر راهنما دقیقاً در همان پارادایم تفسیر عصری و

اجتماعی سید پایه‌ریزی و تدوین شده است. چنان‌که مرحوم هاشمی در مقدمه تفسیر راهنما وقتی انگیزه خودشان از نگارش این تفسیر را بیان می‌کنند از قرآن با عنوان شهد شفاعت دردهای فردی و اجتماعی یاد می‌کنند. ایشان می‌گویند متأسف بودم که چرا امت اسلامی طی قرن‌ها، آن گونه که باید برای این کتاب - که عهد الهی با مردم و درمان مبارک و راستین دردهای روح و جسم جامعه انسانی است - سرمایه‌گذاری بایسته‌ای نکرده است.

ویژگی دیگر تفسیر راهنما به اعتقاد پارسا، قرار گرفتن آن در طیف تفاسیر تدبری است. این گونه از تفاسیر در پی گسترش سواد عمومی در بین مردم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و صنعت چاپ در حوزه آموزه‌های دینی به وجود آمده است. در واقع این ایده که همگان می‌توانند و حق دارند بدون واسطه درگیر فکر کردن و فهمیدن و تدبر در قرآن شوند مبنای شکل‌گیری تفاسیر تدبری است.

ویژگی سوم که در واقع نوآوری و ابتکار این تفسیر هست، تلاش برای طبقه‌بندی موضوعات و مفاهیم قرآن کریم است که آن مرحوم با عنوان کلیدهای تدبر در قرآن از آنها یاد

کرده‌اند و براساس همان طبقه‌بندی به این امر متمایل بودند که دایرةالمعارف قرآن یا فرهنگ معارف قرآن برای دسترسی عموم فراهم شود. که به‌حمدلله با تلاش جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم این مهم فراهم شده است.



آقای مهندس محسن هاشمی نیز در مورد این تفسیر گفتند: فیش‌های قرآنی تفسیر راهنما طی سه سالی که مرحوم آیت‌الله به زندان محکوم شدند از سال ۵۴ توسط ایشان تهیه شد و در ۲۲ یا ۲۳ دفتر ۲۰۰ برگی جمع‌آوری و

به مرور بخشی از آن طی ملاقات‌های همسر گرامی ایشان در طول محکومیت به بیرون از زندان منتقل گردیده و مابقی پس از آزادی از زندان گردآوری شد و با همکاری جمعی از دوستان از جمله حجت‌الاسلام معادی‌خواه و فعالان حوزه مطالعات قرآنی مانند مرکز معارف قرآن در قم به صورت یک مجموعه در حال تدوین است که تاکنون مجلدهای بسیاری از آن به اتمام رسیده است.

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر ایازی برخی ویژگی‌های تفسیر راهنما از جمله؛ جامعیت، نواندیشی و ابتکار آن را تشریح کردند. دکتر ایازی، ویژگی‌های ذیل را برای این تفسیر برشمردند: ۱- برجسته‌ترین شاخصه تفسیر راهنما، عینیت بخشیدن قرآن در جامعه است. ۲- نثر روان و مطابق با زبان معیار امروز جامعه و قابل استفاده بودن برای هر دو گروه مردم عادی و متخصصان ۳- دسته‌بندی و



تعیین موضوعات در این تفسیر به خوبی صورت گرفته است. ۴- در تفسیر راهنما در ذیل هر آیه مدخل و موضوع مورد بحث معین شده که همین ویژگی کار را برای پژوهشگران آسان می‌کند.

حجت الاسلام یوسفی مقدم نیز در سخنان خود به ارزش تفسیر راهنما به لحاظ شکل‌گیری آن در دوران مجاهدت مرحوم هاشمی در زندان طاغوت و با تکیه بر اجتهاد وی، اشاره کرد و گفت: «از مجموع مباحث و فیش‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی ۳۳ جلد فرهنگ

قرآن و نیز فرهنگ موضوعی تفاسیر تهیه و تدوین شده است.» یوسفی مقدم روش مرحوم هاشمی در تفسیر راهنما را ترکیب و تلفیقی از منهج عقلانی، منهج روایی و منهج قرآن به قرآن دانست و تأکید کرد؛ از موضوعات مهم این تفسیر، برداشتهای قرآنی متناسب و با قابلیت تعمیم در همه زمان‌ها و همه نسل‌هاست. وی گفت: «علاوه بر رویکرد و گرایش



اجتماعی در این تفسیر، گرایش ادبی، گرایش کلامی و گرایش فقهی شیعی نیز به چشم می‌خورد.»



در انتها حجت‌الاسلام سیداسدالله موسوی عبادی تفسیر راهنمای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را کلیدی برای فهم قرآن کریم دانست و گفت: «ما در مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم نرم‌افزار تفسیر راهنمای آیت‌الله هاشمی را راه‌اندازی کرده‌ایم. دوستان و همکاران من در این مراسم تمام حرف‌هایی که باید می‌گفتند را گفتند، اما باید بگویم که بررسی کتاب تفسیر راهنمای

آیت‌الله هاشمی را نمی‌توان در یک یا دو جلسه تشریح و بیان کرد.»



نشست تخصصی «فقه محیط زیست»



نشست تخصصی «فقه محیط زیست بر طبق دیدگاه‌های اسلامی» با سخنرانی آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران، به همت پژوهشکده حکمت معاصر در روز چهارشنبه بیست بهمن‌ماه در سالن اندیشه برگزار شد. ابتدا مدیر نشست خانم دکتر قاسمی بیان کرد: تخریب محیط زیست تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دنیای معاصر شده است. سید مصطفی محقق داماد تنها محقق حوزوی است که به طور تخصصی به این موضوع پرداخته است و اثر مهم

وی، با عنوان الهیات محیط زیست است. مهم‌ترین نوآوری کتاب بخش مربوط به فقه محیط زیست است. در ادامه استاد محقق داماد به تبیین دیدگاه‌های خود در خصوص فقه محیط زیست پرداختند. ایشان بیان کردند: «احکام اسلامی درباره محیط زیست فراوان است و متنوع، گروهی از این احکام، چه مستحب و چه واجب، ایجابی هستند و مسلمانان را به انجام اعمالی درباره طبیعت و محیط زیست فرا خوانده‌اند. به عنوان نمونه، آیات قرآن آدمیان را به تفکر در طبیعت و محیط زیست فرا می‌خواند و تأمل در جلوه‌های طبیعت را برای انسان‌ها بسیار سودمند و سازنده می‌داند.» استاد این ادعا را مطرح کردند که شریعت اسلامی در حوزه محیط زیست دارای یک نظام ویژه است. نظام به این معنا که برای هر مشکل و مسأله‌ای پاسخی دارد. در واقع باید دید مسائل محیط زیست که همگی جدید هستند آیا با توجه به احکام اسلامی قابلیت پاسخگویی دارند یا خیر که به عقیده ایشان این قابلیت وجود دارد. دیدگاه ابداعی ایشان این است که قواعدی برون فقهی وجود دارد که بر قواعد فقهی حاکم هستند. برخلاف قواعد درون فقهی که در عرض هم و گاهی معارض هم هستند. مثل اصل عدالت که هم عقلانی و هم شرعی است. چهار اصل برون فقهی وجود دارد که با آن می‌توان فقه محیط زیست اسلامی را استخراج کرد: اصل منع افساد در زمین که شامل افساد اخلاقی و مادی می‌شود. اصل اصلاح زمین که اصلاح مادی است. اصل دوم استثمار در ارض. اصل سوم، نسبت مالکیت اولیه به خدا. در واقع تنها خدا مالک علی الاطلاق است. اصل چهارم مالکیت خصوصی. از آیات قرآن، سخنان معصومان - علیهم‌السلام - و دیدگاه فقیهان به روشنی استفاده می‌شود که ضرر زدن به دیگران جایز نیست. بر طبق گروهی از آیات، شمار زیادی از روایات، سیره عقلا و اجماع فقها هیچ مسلمانی مجاز نیست به دیگران ضرر برساند. آلوده ساختن محیط زیست و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است.



گزارشی از نشست‌های گروه پژوهشی «جامعه و امنیت»

نشست شاخص‌سازی با موضوع «تحلیل امن‌ترین کشورها و شهرهای جهان از دیدگاه شاخص‌های بین‌المللی»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت نوزدهمین نشست شاخص‌سازی با موضوع «تحلیل امن‌ترین کشورها و شهرهای جهان از دیدگاه شاخص‌های بین‌المللی» خود را در روز سه شنبه ۱۴ دی‌ماه با سخنرانی مهندس آذری برگزار کرد. ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی، با اشاره به اهمیت موضوع مطروحه خاطر نشان کرد: بررسی شاخص‌های بین‌المللی از حیث روش‌شناختی، مدل و ساختار زمینه و امکان مناسبی را برای طراحی و ساخت شاخص‌های داخلی ایجاد می‌کند. شاخص‌های سنجش امنیت شهرهای مختلف جهان یکی از کارهای ارزشمندی است که در این زمینه انجام گرفته است. در ادامه آقای مهندس آذری به تشریح شاخص‌های مذکور مبادرت نمودند، که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. ایشان با معرفی پایگاه اکونومیست، این پایگاه را ارائه‌کننده اصلی اطلاعات مزبور برشمردند. واحد اطلاعاتی اقتصادی (EIU) یکی از برجسته‌ترین ارائه‌دهندگان اطلاعات در زمینه کشورهای جهان است. واحد اطلاعاتی اقتصادی ۵۵ سال پیش کارهای پژوهشی و تحلیلی خود را در لندن آغاز کرد. در مدت یاد شده، شبکه جهانی عظیمی دربرگیرنده بیش از ۵۰۰ تحلیل‌گر، ویراستار و گزارشگر را گرد آورده و اطلاعات کشوری این واحد گنجینه‌ای از بهترین منابع مطالعاتی است. این ترکیب کامل، نقطه قوتی برای پشتیبانی از اطلاعات تولیدی واحد اطلاعاتی اقتصادی (EIU) به شمار می‌رود. دامنه این اطلاعات از پیش‌بینی‌های جهانی اقتصاد کلان گرفته تا تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی جداگانه برای ۲۰۰ کشور، متغیر است.

شاخص شهرهای امن، سطح نسبی امنیت مجموعه متنوعی از شهرهای مهم جهان را با استفاده از چهار گروه مهم امنیت محاسبه می‌کند: امنیت دیجیتال، امنیت بهداشت (امید مردم به زندگی، کیفیت بیمارستان‌ها)، امنیت زیرساخت (در این مقوله وضعیت راه‌ها، نیروگاه‌ها، سد‌ها و تمامی زیر ساخت‌ها و نحوه اداره حوادث غیرمترقبه مانند سیل و زلزله و همچنین کیفیت نیروهای پلیس، اورژانس و آتش‌نشانی مورد بررسی قرار می‌گیرد) و امنیت شخصی (آمار قتل، سرقت، میزبان درگیری پلیس با مجرمان و خشونت‌های خیابانی). تیمی از محققین به جمع‌آوری اطلاعات از ژوئیه تا سپتامبر ۲۰۱۴ پرداختند. علاوه بر اطلاعات به‌دست آمده از واحد اطلاعات اقتصادی، که تعدادی از شاخص‌های مشابه را تولید نموده که شهرها را براساس رقابتی بودن، توان زندگی و دیگر مسائل محاسبه می‌کند، اطلاعات دولتی از منابع رسمی در صورت لزوم مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع، شاخص، امتیاز تجمیعی تمامی نشانگرهای مربوطه است.



شاخص ابتدا براساس دسته‌ها تجميع شده که یک نمره برای هر دسته به‌وجود می‌آید و در آخر، براساس ترکیب نمره‌های دسته مورد نظر، جمع زده می‌شود. هر نشانگر، طبق یک وزن‌دهی محوله تجميع می‌شود. نتایج این بررسی‌ها جایگاه شهرهای مختلف جهان را مشخص نمود و ده شهر امن جهان به ترتیب مشخص شد: ۱- توکیو، ۲- سنگاپور، ۳- اوساکا (شهر ۲,۵ میلیونی ژاپن) ۴- استکهلم (پایتخت سوئد با جمعیت نزدیک به یک میلیون نفر)، ۵- آمستردام، ۶- سیدنی، ۷- زوریخ، ۸- تورنتو، ۹- ملبورن، ۱۰- نیویورک (تنها شهر ایالات متحده که توانست در رده‌بندی ده شهر امن دنیا قرار بگیرد، نیویورک است. این شهر از دهه نود میلادی که صاحب یکی از بالاترین آمار جرم و جنایت بود، در دو دهه اخیر توانست به یکی از امن‌ترین شهرهای دنیا تبدیل شود).

نشست «نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری امریکا؛ تهدیدات و فرصت‌های پیش رو برای ایران»

نوع خود بی سابقه هستند و بر خلاف ارزش‌های امریکایی قرار می‌گیرند. مثلاً اظهارات ترامپ در رابطه با موضوع شکنجه، جامعه ال جی بی تی، مخالفت با ای پی ای، حقوق بشر و حقوق زنان در این زمره‌اند. در خارج نیز مواضع ترامپ مناقشه برانگیز بوده‌اند. مواردی مانند حمایت از متحدان دیرینه و ناتو به عنوان طولانی‌ترین پیمان نظامی تاریخ جهان و اتخاذ مواضع منفی در برابر اتحادیه اروپا و مخالفت با کارکردهای سازمان تجارت جهانی. به‌ویژه اینکه ترامپ به سیاست یکجانبه‌گرایی معتقد بوده و چندان احترامی برای مواضع سازمان ملل و سازمان فراملی قائل نیست. در رابطه با مناسبات تجاری نیز وی از تجارت منصفانه به جای تجارت آزاد حمایت می‌کند. در رابطه با تأثیر این واقعه بر ایران باید گفت مواضع متخذه از سوی ترامپ متناقض بوده است. تمایلات ترامپ در رابطه با روسیه و موضوع وی در رابطه با اسد و داعش برای ما مثبت و فرصت‌آفرین بوده است. ولی در رابطه با مسئله فلسطین وضعیت پیچیده‌تر است. در راس مواضع منفی و تهدیدها برای ایران، تهدید برجام از سوی ترامپ را می‌توان نام برد. به‌علاوه چپ‌نشین دولت مردان ترامپ به وضوح ساختاری ضد ایرانی دارد و این امر را می‌توان تهدید دیگری دانست.

گروه پژوهشی جامعه و امنیت دهمین نشست مطالعات راهبردی «قدرت نرم و جنگ نرم» با موضوع «نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری امریکا؛ تهدیدات و فرصت‌های پیش رو برای ایران» را با ارائه دکتر عبدالله قنبرلو روز سه‌شنبه ۲۰ دی‌ماه برگزار کرد. در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت، با اشاره به انتخابات اخیر در امریکا این انتخابات را دارای تأثیرات متفاوتی در وضعیت قدرت نرم متقابل ایران و امریکا دانستند و از این رو طرح بحث پیرامون این مقوله را امری ضروری و مهم خواندند. دکتر اصغر افتخاری، دبیر نشست قدرت نرم، نیز پرداختن به این مسئله را در راستای تدقیق امر سیاست‌گذاری مهم دانستند.

در ادامه دکتر عبدالله قنبرلو به ارائه بحث خود پرداختند. ایشان گفتند: امریکا از دیر باز خود را کشوری استثنایی می‌دانست و معتقد بود باید نقش رهبری جهان را برعهده داشته باشد و این اندیشه از طریق مکتب استثناکرایی حمایت می‌شد. با این وجود، پس از انتخاب باراک حسین اوباما، این تصور وجود داشت که امریکا اکنون به دوره پسا نژادگرایی گذار کرده است. در چنین شرایطی، انتخاب دونالد ترامپ قطعاً چرخشی به راست محسوب می‌شود. این راست‌گرایی البته محدود به

امریکا نیست و اخیراً در جهان راست‌گرایی سر برافراشته است. مثلاً در واقعه برگزیت و جدایی از اتحادیه اروپا و مطرح‌شدن احزابی مانند حزب استقلال انگلستان، جبهه ملی در فرانسه، حزب آزادی در هلند، حزب یک ملت در استرالیا و در آلمان حزب آلترناتیو که همگی این جریانات از ترامپ حمایت کرده‌اند.

برخی ادعا می‌کنند که ترامپ شخصیتی فرا حزبی است اما این ادعا درست به نظر نمی‌رسد زیرا به هر حال ترامپ به نمایندگی از حزب محافظه کار معرفی شده است. دونالد ترامپ موضعی را در داخل اتخاذ کرده است که در



نشست «بررسی و تحلیل ۱۰۰ شاخص ترکیبی بین‌المللی»

نموده و از روش‌های بهینه به‌دست آمده و تجربیات سایر کشورها حداکثر بهره‌برداری را نمایند.

ایشان در ادامه ذکر کردند: «در این راستا نخستین شاخص، شاخص قدرت آتش بین‌المللی است. این شاخص، برای رده‌بندی کشورها بر اساس شاخص کلی قدرت آتش و همچنین رده‌بندی کشورها بر اساس ابعاد ۸ گانه شاخص شامل نیروی انسانی، نیروی زمینی، نیروی هوایی، منابع، لجستیک، جغرافیا و منابع مالی و نمایش نقاط قوت و ضعف هریک از ارتش‌ها مورد مطالعه، به‌کار می‌رود. شاخص نظامی‌گری جهانی، شاخص امنیت سایبری جهانی، شاخص قدرت نظامی امریکا، شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی، شاخص رفاه لگاتم و شاخص دولت‌های شکست خورده و یا شکننده از جمله مهمترین شاخص‌های ترکیبی بین‌المللی است. با نگاهی اجمالی به شاخص‌های مذکور می‌توان مشاهده کرد که مسئله هنجارسازی شاخص‌ها و وزن‌دهی به آنها از جمله مهم‌ترین موارد است که در روش‌شناسی ساخت آنها به چشم می‌خورد. تعداد قابل توجهی روش وزن‌دهی وجود دارد که برخی از مدل‌های آماری نظیر آنالیز عوامل، آنالیز پوششی داده‌ها و مدل‌های اجزای نامشهود (UCM) و برخی دیگر از روش‌های مشارکتی نظیر فرآیند اختصاص بودجه (BAP)، فرآیندهای تحلیلی درختی (AHP) و تجزیه تحلیل پیوسته (CA) حاصل شده‌اند. هرچند ممکن است برخی از تحلیل‌گران وزن‌ها را تنها بر اساس روش‌های آماری تعیین کنند، دیگران ممکن است بسته به نظر خود اجزایی که دارای تأثیر بیشتر/ کمتر هستند را وزن بیشتر/ کمتر دهند تا اولویت‌های سیاست‌گذاری و عوامل نظری را بهتر منعکس کنند. به هر حال، مطالعه و تحلیل و بررسی شاخص‌های یاد شده منبعی ارزشمند به منظور ارتقاء سطح کیفی شاخص‌سازی به ویژه در مقولات امنیتی و در کشور خواهد بود.»

در پایان آقای محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع‌بندی نهایی جلسه با اشاره به موضوع شاخص‌های بین‌المللی خاطر نشان کردند: «از مجموعه شاخص‌های بین‌المللی، ۲۰۰ شاخص ترکیبی است و از این میان ۱۰۰ شاخصی که به طور مستقیم و غیرمستقیم مرتبط به امور دفاعی و به ویژه امنیتی هستند، موضوعی است که نشانگر اهمیت شاخص‌های ترکیبی، درصد و برآورد وضعیت امنیتی است.»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت بیستمین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی با موضوع «بررسی و تحلیل ۱۰۰ شاخص ترکیبی بین‌المللی (با تأکید بر حوزه‌های امنیت و دفاع) را با ارائه دکتر علیرضا مهنیان در ۱۹ بهمن‌ماه برگزار کرد.

در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست



مطالعات راهبردی شاخص‌سازی، با اشاره به اهمیت موضوع مطروحه افزودند: «ارزیابی، رصد و برآورد دقیق امور مختلف تنها به واسطه تعیین شاخص‌های کمی و سنجش‌پذیر میسر است که از روایی و پایایی قابل قبول برخوردار باشند و دستیابی به چنین شاخص‌هایی نیازمند مطالعه، تحلیل و ارزیابی روش‌شناسی ساخت شاخص‌های ترکیبی بین‌المللی است؛ به ویژه شاخص‌هایی که در سطح جهانی کارایی خود را به اثبات رسانده‌اند. ایشان بررسی شاخص‌های ترکیبی یاد شده در حوزه امنیت و دفاع را تلاشی در راستای تحقق این امر برشمردند.»

در ادامه آقای دکتر علیرضا مهنیان در توضیح شاخص ترکیبی خاطر نشان کردند: «شاخص‌های ترکیبی می‌توانند به‌عنوان یک ابزار ساده برای مقایسه کارایی یک کشور در مورد مسائل پیچیده و بعضاً بغرنج در سالیان متمادی و همچنین مقایسه کشورها با یکدیگر در سطح بین‌المللی به کار برده شود و موضوع شاخص‌های ترکیبی و تدوین آنها در کشورهای توسعه‌یافته یکی از کلیدهای موفقیت برنامه‌ها/ راهبردها در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی بوده است. بنابراین، لازم است تا مراکز تحقیقاتی متمرکز بر امر شاخص‌سازی درباره شاخص‌های ترکیبی مطرح در سطح بین‌المللی اطلاع دقیق داشته باشند تا در فعالیت‌های شاخص‌سازی خود از تجربیات ارزنده جهانی (که با صرف میلیاردها دلار هزینه و صرف زمان انبوه دانشمندان و متخصصان در حوزه‌های مختلف حاصل شده است) حداکثر بهره‌برداری را



گزارشی از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره

دهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی»

«سواد اخلاقی به عنوان یکی از رهیافت‌های سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی»



راه رفتن کودکان امری فیزیولوژیک و ناشی از رشد آنهاست که در بازه زمانی ویژه‌ای فارغ از آموزش و تلاش و در هر حال رخ می‌دهد. اکتسابی بودن سواد دلالت‌های مفهومی ویژه‌ای دارد؛ نیازمند قصدمندی، تلاش، برنامه‌ریزی و آموزش است. هرمان بر این باور است که سواد نه تنها متمایز از رشد فیزیکی و طبیعی است، بلکه امری فراتر از برون‌دادهای زندگی اجتماعی نیز هست. سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از ضروری‌ترین ابزارهای تعامل هوشمندانه و مؤثر با رسانه‌های مختلف است و هدف سواد رسانه‌ای اعطای کنترل بیشتر بر تفسیرهایمان است؛ چرا که تمامی پیام‌های رسانه‌ای از جنس تفسیرند. سواد رسانه‌ای به معنای افزایش دسترسی، استفاده، درک انتقادی (شامل رمزگشایی، تحلیل و ارزیابی) و تولید محصولات رسانه‌ای است. دکتر نصیری در پاسخ به این سوال که رسانه‌ها در عصر ما چه نقشی دارند، گفت: «رسانه‌ها اعم از رادیو، تلویزیون، اینترنت، فیلم، روزنامه، مجله، کتاب و... هر روز به طور فزاینده اطلاعات،

دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره دهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی» با عنوان «سواد اخلاقی به عنوان یکی از رهیافت‌های سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی» را با ارائه دکتر بهاره نصیری و ناقدین جلسه جناب آقای دکتر محمد سلطانی فر و جناب آقای دکتر بشیر حسینی برگزار کرد.

مدیر جلسه دکتر ایشانی پس از سلام و خوش آمد گویی به حضار عنوان کرد: «کرسی امروز دارای سه رکن است: یک ارائه دهنده: خانم دکتر نصیری و دو نفر ناقد جناب آقای دکتر محمد سلطانی فر و جناب آقای دکتر بشیر حسینی و مدیر جلسه که اینجانب هستم. اثر صاحب کرسی چند هفته قبل به ناقدان محترم ارسال شده و در این جا نظر ارائه دهنده توسط ناقدین و حاضران که از افراد آگاه به موضوع خواهند بود مورد نقد و سوال قرار می‌گیرد.»

خانم دکتر نصیری هم ضمن تشکر از حضور اساتید بیان کرد: «تجربه نشان داده است، اخلاق ستون فقرات همه موضوعاتی است که انسان با آن سروکار دارد. اخلاق به هر حوزه‌ای وارد شود چارچوب قداست و عیار ارزش‌های انسانی را با خود به همراه می‌آورد. اخلاق هر چیز را از آفت‌ها حفظ و جهت صحیح و درستی را برای آن ترسیم می‌کند. مهم‌ترین اصل در علم اخلاق این است که باید اخلاقی زیست. اگر کسی از من بپرسد دلیل این سخن شما چیست؟ خواهیم گفت که: این فرض و مبنایی است که برای رسیدن به مقصود باید اختیار کرد و باید اخلاق را صدر نشاند.»

در ادامه دکتر نصیری گفت: «مفهوم سواد با مفهوم اکتساب در پیوند است. این اکتساب بیانگر آن است که مهارت‌ها و توانش‌های متناظر با سواد، اموری نیستند که به طور زیستی و در فرایند رشد خود به خودی در انسان ایجاد شوند. برای نمونه



سرگرمی‌ها و تبلیغات مختلفی را به ما و فرزندانمان عرضه می‌کنند، که همگی نقش مهمی در شکل‌دهی و نفوذ به فرهنگ، ارزش‌ها، اعتقادات و دیدگاه‌های ما بازی می‌کنند. بنابراین لازم و ضروری است تا درون‌مایه‌ها و ایده‌های اصلی یک پیام را کشف کرده و از لایه‌های زیرین آن رونمایی کنیم. بهترین راه برای رونمایی از انواع پیام‌ها، کسب مهارت سواد رسانه‌ای است. به جای تفکر اسفنجی، تفکر غربالی و تفکر انتقادی داشته باشیم که از مفاهیم اساسی در سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای از ما می‌خواهد دائماً جنگل اندیشه‌هایمان در برابر پیام‌های رسانه‌ای را حرص کنیم. چرا که امروزه رسانه‌ها مرزهای اخلاقی را زائل کرده‌اند و الگوهای جدیدی از کنش و رفتار را ارائه می‌دهند. ایشان همچنین در تعریف مفهوم اخلاق گفت: «اخلاق باید‌ها و نباید‌های حاکم بر رفتارهای انسانی و تعیین‌کننده قواعدی است که باید در زندگی انسان جاری باشد یا چیزی است که به‌وسیله آن درست یا نادرست بودن رفتارهای انسان را ارزیابی می‌کنیم. اصطلاح اخلاق اصول و فرایندهای استدلال در جهت کشف آنچه درست یا غلط خوانده می‌شود یا اینکه چیزی نسبت به چیز دیگر بهتر یا بدتر اطلاق می‌گردد. سواد اخلاقی به ما کمک

اخلاقی را فرایند داوری آگاهانه درباره خوب یا بدی کنش‌های انسان تعریف می‌کند. مهارت استدلال‌ورزی اخلاقی در سواد رسانه‌ای مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های مستدل، منطقی و در عین حال اخلاقی در مواجهه با پیام‌های موجود است، که می‌تواند شامل مراحل زیر باشد:

- ۱- ابتدا به خود موضوع، مسأله یا پیام وضوح ببخشیم.
- ۲- نظرات و دیدگاه‌های دیگران را در مورد آن مرور کنیم.
- ۳- تفکیک و دسته‌بندی نظرات و بررسی دلایل موافق و مخالف آن.
- ۴- موضعی را نسبت به آن اتخاذ کنیم و سعی کنیم آن را موجه کنیم.

دکتر نصیری در ادامه به بازگویی توصیه‌های استاد مطهری درباره شیوه صحیح کتاب‌خوانی پرداختند: انسان کتاب را بار اول به قصد لذت می‌خواند، بار دوم می‌خواند برای بدست آوردن جزئیات، چون حتی قوی‌ترین حافظه‌ها نیز نیاز دارند تا یک کتاب مفید را حداقل دوبار پشت سرهم بخواند، بار سوم نقادانه می‌خواند و سعی می‌کند پرده از نقاط ضعف و ایرادهایی که بر آن وارد است بردارد، سپس آن مطالب تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی می‌کند و هر مطلبی را با توجه به این که از چه دسته مطالبی



می‌کند تا درباره اخلاقیات بهتر فکر کنیم. تفکر و نظرگاه‌هایمان را نسبت به موضوعات اخلاقی ارتقاء دهیم و به آن عمق و سنجیدگی بیشتری ببخشیم. در فرایند رشد و نمو دائماً می‌شنویم چه چیزی خوب است و چه چیزی بد است یا کدام کار را انجام دهیم یا ندهیم که همه اینها را از والدین، دوستان، آموزگاران و جامعه امان می‌شنویم. اما سرانجام باید این ارزش‌ها را دسته بندی کنیم و برای خود صاحب عقیده شویم. حساسیت اخلاقی به معنای فهم اخلاقی و داشتن علایق و دغدغه‌های اخلاقی در امور است. رویکرد حساسیت اخلاقی در سواد رسانه‌ای به گونه ای است تا حساسیت بیشتر افراد را درباره شیوه انعکاس، تقویت و شکل‌گیری پیام‌ها برانگیزاند.»

عضو هیأت علمی در اشاره به گفته پیاژه در خصوص استدلال‌ورزی اخلاقی و سواد رسانه‌ای گفت: پیاژه استدلال‌ورزی

است، به حافظه می‌سپارد. دکتر نصیری حداقل سه نوع رفتار ارتباطی را معرفی کردند: رفتار ارتباطی درون شخصی (من با من)، رفتار ارتباطی بین شخصی (من و دیگران)، رفتار ارتباطی برون شخصی (من با نهادها و امور دیگری غیر از انسان‌ها مثل محیط زیست).

به نظر ایشان اخلاق در هر نوع رفتار ارتباطی باید مبتنی بر رعایت حقوق کسی باشد که با او ارتباط داریم. در ارتباط درون شخصی باید دغدغه حقوق خود را داشته باشیم و با خودارزیابی و خود محاسبه‌گری اخلاقی عمل کنیم. در رفتار ارتباطی بین شخصی و برون شخصی، حقوق طرف ارتباط ملاک قرار می‌گیرد. بدین معنی که شما حق دارید و من تکلیف.

انسان باید متصدی اخلاقی خود باشد و دقت داشته باشد که اگر نرخ اخلاقی بودنش در نشر پیام‌ها سیر نزولی داشت؛ سریعاً

ارتباط مؤثر بپردازیم.»

وی همچنین اضافه کرد، افراد باید در تصمیم‌گیری‌های خود در تولید، توزیع و انتشار پیام‌ها، صرفاً منافع شخصی خود را در نظر نگیرند بلکه باید نسبت به مسائلی چون آلودگی محیط زیست، تبعیض، فقر، خشونت، بی‌عدالتی و... از خود مسئولیت نشان دهند. هر فرد به عنوان زیر سیستم در قبال جامعه و آثاری که کارکردها و عملکردهای شخصی‌اش بر جامعه و افراد آن باقی می‌گذارد، باید احساس مسئولیت کند. همان‌طور که سواد اخلاقی به بعد شخصی و فردی تصمیمات و رفتارهای ارتباطی توجه دارد، در مقابل، مسئولیت اجتماعی به جنبه‌های اجتماعی و فراشخصی مربوط می‌گردد. در این بین سواد رسانه‌ای هم می‌تواند با رعایت و بهره‌مندی از هر دو حوزه مجهز به آموزه‌های دقیق‌تر، عمیق‌تر و جدی‌تری برای تجزیه، تحلیل، تفسیر، پردازش و انتشار پیام‌ها شود.

هامینگا تجربه آفریقایی را از جامعه به این صورت توصیف می‌کند: ساقه بریده شده از درخت هرگز نمی‌تواند هویت درخت را داشته باشد، زیرا از بقیه اجزای درخت منقطع شده است؛ به بیان دیگر حیثیت وجودی درخت خدمت به آسان‌سازی جریان انرژی حیاتی است که فقط در صورت اشتراک و هماهنگی همه اجزاء امکان پذیر است. در جامعه انسانی نیز چنین است؛ یعنی جامعه چیزی جز با یکدیگر بودن و مراقبت کردن از یکدیگر نیست. در این دیدگاه عملکرد فردی که برای سود شخصی خودش کاری انجام دهد به منزله مرگ وی است.

در دنیای امروز که هر فردی می‌تواند یک رسانه باشد و به عنوان عضوی از جمع انسان‌ها، نمی‌تواند در برخورد با پدیده‌ها منفعلانه و خنثی عمل نماید. بلکه باید با رعایت مؤلفه‌های سواد اخلاقی، فراگیری مهارت‌های سواد رسانه‌ای و پایبندی به مسئولیت اجتماعی به گونه‌ای فعالانه و اخلاقی، با توجه بر خیر مشترک و انصاف درگیر مسائل و ارتباطات اجتماعی شود و اقدام به تولید، توزیع و انتشار پیام کند. با گسترش نوع دوستی، فضیلت، مسئولیت‌پذیری، جمع گرایی، الزام اخلاقی، احترام متقابل و در نتیجه مشارکت گسترده، همه انسان‌ها در خیرهای حقیقی مشارکت خواهند داشت.

کمیته بحران تشکیل دهد و به چاره‌جویی بپردازد. ایشان رکن اصلی اخلاق در رفتار ارتباطی را «عشق» مطرح کرد و گفت: «عشق مهمترین عاطفه آدمی و بزرگترین فضیلت اوست. انسانی که می‌خواهد و می‌تواند اخلاقی زندگی کند باید بتواند به تک تک انسان‌ها، با تمام فردیت و حیات باطنی‌ای که دارند، عشق بورزند و نسبت به آنها احساس مسئولیت نماید.»

دکتر نصیری در تعریف سواد اخلاقی، سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی گفت: «مسئولیت اجتماعی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال افراد جامعه به هنگام تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای ارتباطی است.

همان‌طور که اخلاق به بعد شخصی تصمیمات توجه دارد؛ در مقابل مسئولیت اجتماعی به جنبه اجتماعی و مسائل فراشخصی مسائل مربوط است. در این بین وقتی فردی به توانمندی سواد رسانه‌ای مجهز می‌شود؛ به مفهوم جدیدی از شهروندی می‌رسد که به لحاظ اخلاقی فقط در قبال خود مسئول نیست، بلکه نسبت به مسائل مختلف اجتماعی نیز احساس مسئولیت می‌کند.

توسعه سواد رسانه‌ای، گسترش اخلاق و مسئولیت اجتماعی پیش نیاز هرگونه فعالیتی است و تا زمانی که ما نتوانیم این سه مؤلفه را در کنار هم در جامعه نهادینه کنیم، نمی‌توانیم به استفاده از فرصت‌ها و نقاط قوت موجود در پیام بپردازیم.»

ایشان در جمع بندی گفت: «دریافت‌های اخلاقی از پیام‌ها، با تأکید بر روابط شخصی و بهره‌مندی از سواد اخلاقی می‌تواند به ارزشمند بودن روابط انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد جامعه بینجامد. اخلاق بدون در نظر گرفتن انسان و کنش‌هایش بی‌معناست و قضاوت اخلاقی، نوعی کنش انسانی نسبت به پیام‌هایی است که فرد از محیط پیرامونش کسب می‌کند. از آنجا که مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای شامل بعد شناختی، احساسی، زیبایی‌شناسی و اخلاقی است؛ لذا رابطه میان اخلاق و مسئولیت اجتماعی در ذیل بعد اخلاقی سواد رسانه‌ای جای می‌گیرد.

توسعه سواد رسانه‌ای، گسترش اخلاق و مسئولیت اجتماعی پیش نیاز هرگونه ارتباط انسانی است و تا زمانی که ما نتوانیم این سه بعد را با هم در افراد نهادینه کنیم، نمی‌توانیم به



یازدهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی»

«تبارشناسی نقد»

دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره یازدهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی» با عنوان «تبارشناسی نقد» را با ارائه دکتر عیسی امن خانی و ناقدین جلسه جناب آقای دکتر علیرضا ملایی‌توانی و جناب آقای دکتر مهدی محبتی برگزار کرد.



در این جلسه موارد زیر بررسی و مورد نقد قرار گرفت: خاستگاه نقد کجاست؟ چرا نقد در ایران پیشامدرن حضوری بسیار کم‌رنگ و حاشیه‌ای دارد؟ بسیاری بر این باورند که خاستگاه نقد را باید در فضیلت‌هایی چون مدارا و تساهل و... - که می‌توان آنها را از اصلی‌ترین مؤلفه‌های جهان مدرن / دموکراتیک دانست - جستجو کرد؛ به باور این دسته بدون ذهنیت دموکراتیک نقد امکان حضور نخواهد داشت و از آنجا که ذهن جامعه ایران پیشامدرن، ذهنیتی استبدادی بوده است، نقد در ایران تا زمان مشروطه ریشه نندوانید و پا نگرفت. پژوهش حاضر با طرد این نظر / باور پاسخ دیگری را برای پرسش فوق ارائه می‌دهد.

نویسندگان عصر مشروطه اگرچه بسیار از ضرورت نقد

و اصلاح سخن گفته‌اند اما هیچ اشاره‌ای به نسبت نقد با فضیلت‌هایی چون مدارا، تساهل و... در آثار خود نکرده‌اند؛ آنها نقد را غالباً همراه با مرگ (و مفاهیم هم معنی با آن چون اضمحلال، فنا، نیستی، تلاشی و...) به کار برده‌اند تا آنجا که باید گفت که نسبت میان مرگ / نقد و اصلاح، نسبت حقیقی و بنیادین در میان متون این دوره است. بررسی شرایط تاریخی ایران عصر مشروطه نیز بر درستی این مسئله صحنه می‌گذارد. ایران در این زمان کشوری عقب‌مانده با ساختاری کهن و ناکارآمد بود که در برابر سیاست‌های تهاجمی کشورهای چون روسیه و انگلستان هر لحظه امکان تلاشی آن می‌رفت. همین شرایط است که ایرانیان را ناگزیر از اصلاح خویش و تن دادن به سخنان ناقدان واداشت. پس از گذار نسبی ایران از این عصر بحران‌زا، نسبت مرگ / نقد همچنان به قوت خود باقی ماند دلیل آن نیز ورود نظام‌های فکری و اقتصادی‌ای بودند که بنیان نظری آنها بر نسبت مرگ / نقد و اصلاح استوار بود: نظریه تکامل داروین و نظام بازار / سرمایه‌داری دو نظام فراگیری بودند که ایرانیان پس از آشنایی با غرب به اخذ آنها مبادرت کردند.



«سنجش بین آزمونی توانایی‌های شناختی و روانی حرکتی کودکان بر اساس نظریه CHC»

توانایی‌های جنبشی توانایی‌های بویایی (حافظه بویایی)، سرعت روانی حرکتی (سرعت حرکت اندام و سرعت نوشتن) و توانایی‌های روانی حرکتی (شامل هماهنگی اندام‌ها، چابکی انگشتان، چابکی دست، دقت کنترل، هدف‌گیری و تعادل بدن) است (هانت، ۲۰۱۱، اشنایدر و مک‌گریو، ۲۰۱۲). جامعیت و حمایت پژوهشی باعث شده است الگوی CHC تا حدود زیادی به عنوان مبنایی برای انتخاب، سازماندهی و تفسیر آزمون‌های توانایی شناختی مورد استفاده قرار گیرد و اخیراً نیز در بازبینی آزمون‌ها و مجموعه‌های سنجشی مهم مانند هوش‌آزمای وکسلر و مجموعه سنجش توانایی و پیشرفت وودکاک جانسون به عنوان زیربنا مورد توجه قرار گرفته است (رینولد، وینست و فلچر جانزن، ۲۰۱۳). با این حال تاکنون آزمونی که بتواند تمام و یا حداقل بخش زیادی از توانایی‌های لایه دوم را پوشش دهد ساخته نشده است. از این رو هدف از پژوهش حاضر ساخت آزمونی بوده است که بتواند توانایی‌های بیشتری از لایه دوم این نظریه را سنجش و در نتیجه آن برداشت جامع‌تری از توانایی‌های شناختی و روانی حرکتی کودکان بدست آورد. مطالعه حاضر با کاربرد روش «سنجش بین‌آزمونی» و در چهار گام انجام شده است؛ (۱) انتخاب مقیاس محوری، (۲) انتخاب مقیاس‌های تکمیلی (۳) مطالعه تجربی مقدماتی و (۴) اجرای مطالعه اصلی و بررسی روائی و اعتبار مقیاس نهایی. ضرایب همبستگی بازآزمایی مقیاس‌ها بین ۰/۷۶ (توانایی لامسه‌ای) و ۰/۹۸ (توانایی استدلال سیال) بوده است که بیانگر اعتبار مناسب مقیاس‌ها است. ضریب توافق متخصصین به منظور روائی محتوایی بین ۰/۶ تا ۰/۱ بوده است. به منظور بررسی روائی سازه به روش تمایز سنی، نتایج تحلیل واریانس چندگانه نیز نشان داده است که گروه‌های سنی مختلف در همه توانایی‌ها با هم تفاوت معنادار داشته‌اند. همچنین نتایج تحلیل عاملی، یک ساختار سه عاملی شامل توانایی‌های شناختی، روانی حرکتی و سرعت و کارآمدی را مورد تأیید قرار داده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت آزمون نهایی از اعتبار و روائی مناسب و خوبی برای سنجش توانایی‌های شناختی و روانی حرکتی کودکان (۱۳ توانایی) برخوردار است.

دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی نقد و مناظره دوازدهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی» با عنوان: «سنجش بین آزمونی توانایی‌های شناختی و روانی حرکتی کودکان بر اساس نظریه CHC» را با ارائه دکتر روح‌الله شهابی و ناقدین جلسه جناب آقای دکتر سعید اکبری زردخانه جناب آقای دکتر عباس عبادی برگزار کرد. در این جلسه دکتر شهابی گفت: در مورد توانایی‌های شناختی و سنجش تاکنون دیدگاه‌های مختلفی طرح شده است که از بین این دیدگاه‌های مختلف الگوی کتل «هورن» کارول معروف به نظریه CHC را می‌توان جامع‌ترین و به لحاظ تجربی مورد حمایت‌ترین نظریه در مورد ساختار توانایی‌های شناختی تا به امروز دانست (رینولد، وینست و فلچر جانزن، ۲۰۱۳). این نظریه یک الگوی سه لایه‌ای مطرح می‌کند؛ در لایه پایین‌تر توانایی‌های جزئی، در لایه میانی توانایی‌های گسترده‌تر و در بالاترین لایه نیز یک عامل عمومی معرفی شده است. توانایی‌های لایه دوم همراه با توانایی‌های جزئی لایه نخست آن‌ها شامل استدلال سیال (استقراء، استدلال زنجیره‌ای کلی و استدلال کمی)، دانش ادراکی (اطلاعات عمومی، تحول زبانی، واژگان، توانایی شنیدن، حساسیت گرامری)، حافظه کوتاه‌مدت (فراخوانی حافظه و ظرفیت حافظه کاری)، اندوزش و بازیابی بلندمدت (حافظه تداعی، حافظه معنایی، سهولت نامیدن و سیالی اندیشه‌ای)، پردازش دیداری (شامل تصویرسازی، چرخش ذهنی، سرعت بستن، انعطاف‌پذیری، حافظه دیداری و برآورد طول)، پردازش شنیداری (شامل رمزگردانی آوایی، تمایز صدا در گفتار، مقاومت در مقابل محرک شنیداری، حافظه الگوهای صوتی، حفظ و قضاوت در مورد ریتم، قضاوت و تمایز موسیقایی، زیروبمی مطلق، تعیین محل صدا)، سرعت پردازش (شامل سرعت ادراکی، سرعت آزمون‌دهی و سهولت عددی)، سرعت تصمیم‌گیری و واکنش (شامل زمان واکنش ساده، زمان واکنش انتخابی، زمان بازرسی، سرعت مقایسه ذهنی، سرعت پردازش معنایی)، خواندن و نوشتن (شامل رمزگردانی خواندن، درک خواندن، سرعت خواندن، هجی کردن واژه، توانایی نوشتن و سرعت نوشتن)، دانش کمی (شامل دانش و پیشرفت ریاضی)، دانش حیطه خاص، توانایی‌های لامسه‌ای،



گزارشی از نشست‌های پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل

نشست «بررسی زمینه‌های مذاکرات بین ایران و آمریکا در موضوع هسته‌ای»



پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل سخنرانی با عنوان «بررسی زمینه‌های مذاکرات بین ایران و آمریکا» را در موضوع هسته‌ای با سخنرانی دکتر قنبرلو در روز ۱۲ بهمن برگزار کرد.

دکتر قنبرلو در ابتدای سخنرانی خود با در نظر گرفتن موضوع زمینه‌های شکل‌گیری مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا که طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، گفت: «سه متغیر قابل بحث است: اول، تحریم‌های بین‌المللی که به انحاء مختلف مستقیم و غیر مستقیم روی موضع ایران تأثیر گذاشته‌اند و باعث شده‌اند که ایران با اراده جدی‌تر و انرژی بیشتری وارد مذاکره با آمریکا شود. دوم تغییر نخبگان سیاسی هم در ایران و هم در آمریکا که باعث شد فضای ملایمی در روابط دو کشور ایجاد شود و سوم تحولات منطقه‌ای است که به خیزش جریان‌های تکفیری انجامیده و امنیت غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده است. بستر سیاسی موجود برای مذاکرات ایران و آمریکا، ناظر به مسائل و مشکلات ریشه‌دار بین ایران و آمریکا می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که فضای تخصمی ایجاد شده در روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی ایران، یکنواخت نبوده

و بلکه مستمکراً در حالت نوسان بوده است. تخصم موجود مکرراً به سمت تشدید و سپس ملایم شدن تمایل داشته است. مشکلات موجود بین دو کشور از جهتی به رابطه ایران و آمریکا قبل از انقلاب برمی‌گردد و از جهت دیگر به تحولات در روابط ایران و آمریکا بعد از انقلاب مربوط می‌شود.»

وی در ادامه گفت: «به نظر می‌رسد متغیر کلیدی که باعث تداوم فضای تخصم شده است، مسئله حمایت آمریکا از اسرائیل می‌باشد و تا زمانی که این مسئله وجود داشته باشد، تخصم باقی خواهد ماند. اگرچه همین مسئله هم مانع تعاملات موقتی نبوده است. در طول سی تا چهل سال اخیر، منافع دو کشور در ابعاد مختلف باعث شده است که بعضاً دو طرف، به سمت همکاری‌های محدود کشانده شوند.



مذاکرات هسته‌ای هم در چنین فضایی شکل گرفت. منافع دو کشور آنها را به همکاری بر سر موضوع مشخص هسته‌ای کشاند که البته گام بزرگی در جهت حل مشکلات موجود دو طرف بود. با این حال، قابل پیش‌بینی بود که فضای تخصمی مجدداً بازخواهد گشت و دولت آمریکا مسائل دیگری مثل فعالیت‌های موشکی ایران را به عنوان بهانه تقابل و کشمکش مطرح خواهد کرد.»

نشست «دولت‌ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران: تفاوت‌ها و شباهت‌ها»



دهنده آن است که حرکت به سوی عدالت اقتصادی و اجتماعی از وضع مطلوبی برخوردار نبوده و علی‌رغم شعار عدالت خواهانه دولت‌های مختلف آنها موفق به ایجاد روند با ثبات و مستمری در این راستا نبوده‌اند. همچنین طی سه دوره مورد بررسی، ارزش پول ملی با توجه به افزایش نرخ ارز، حدود ۹۵ ارزش خود را از دست داد، به‌طوریکه ارزش پول ملی در دوره‌های اول و سوم به حدود یک سوم کاهش پیدا کرده است و در دوره دوم پول ملی نزدیک به نیمی از ارزش خود را از دست داده است (مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی کشور، گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۶۲) که نشان می‌دهد ساختارهای بانکی و نظام پولی و ارزی کشور دارای وضعیت با ثباتی نبوده است و به‌شدت در مقابل عوامل بیرونی آسیب‌پذیر بوده است.

وی در ادامه گفت: «براین اساس در یک بررسی مقایسه‌ای باید گفت که علی‌رغم موفقیت‌های مقطعی برخی دولت‌ها در برخی شاخص‌های اقتصادی، هیچکدام از دولت‌ها نتوانسته‌اند تحول همه‌جانبه و پایداری را در شاخص‌های مهم اقتصادی کشور ایجاد کنند و روند اقتصادی کشور روند پایدار و مستمر مناسبی را طی نکرده است. که این روند نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم اینکه دولت‌های پویا و متحولی بوده‌اند اما اقتصاد ایران تحول ساختاری مهم و مثبتی را تجربه نکرده است. در به بیان دیگر می‌توان گفت هرچند طی چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف به عنوان عوامل ارادی با اندیشه‌های متفاوت در عرصه دولت در ایران حضور داشته‌اند. و عرصه دولت در ایران در سال‌های بعد از انقلاب عرصه‌ای متحول بوده است. و این رویکرد متحول نیز تأثیراتی بر عملکرد متفاوت دولت‌ها داشته است اما این تفاوت عملکردی به حدی چشمگیر نیست که بتوان آن را تحولی عمده در اقتصاد ایران تحت تأثیر

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل نشست با عنوان «دولت‌ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران: تفاوت‌ها و شباهت‌ها» را با سخنرانی دکتر یحیی فوزی روز سه‌شنبه ۵ بهمن ماه برگزار کرد. در ادامه خلاصه‌ای از این نشست آمده است.

دولت در جمهوری اسلامی ایران به دلیل ذات مردم‌سالارانه خود نهادی متحول و پویا می‌باشد. به‌طوریکه طی چهار دهه گذشته جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف با اندیشه‌های متفاوت در عرصه دولت در ایران حضور داشته‌اند. سوال این پژوهش آن است که این تحولات در عرصه دولت چه تأثیری بر تفاوت عملکردی و کارآمدی دولت‌های مختلف داشته است؟ روش این پژوهش تاریخی-تطبیقی است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند طی چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف به عنوان عوامل ارادی با اندیشه‌های متفاوت در عرصه دولت در ایران حضور داشته‌اند. اما این دولت‌ها موفق نشده‌اند تحول ساختاری در اقتصاد را رقم بزنند و تفاوت عملکرد آنان در عرصه اقتصاد به حدی چشمگیر نیست که بتوان آن را تحولی عمده در اقتصاد ایران تحت تأثیر رویکردهای جدید دولت‌ها دانست.

دکتر فوزی در توضیح این بحث گفت: «در سه دهه اخیر دولت‌ها با گفتمان‌های مختلف در ایران به قدرت رسیدند که رویکردهای گفتمانی هر یک از آنها به مسائل کلان کشور موجب گردید تا تأثیرات مقطعی و کوتاه مدتی را بر روند تحولات اقتصادی ایران به دنبال داشته باشد. اگر از دولت‌های دوران گذار و دولت در زمان جنگ بگذریم که بدلیل مشکلات خاص انقلابی و جنگ نتوانستند تحول ساختاری مهمی را در عرصه اقتصادی کشور به‌جای بگذارند باید گفت همه گفتمان‌های سیاسی بعد از جنگ بر کلیت ضرورت تحول ساختاری در اقتصاد ایران اجماع داشته و بر اصولی همچون تقویت رشد تولید اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، خصوصی‌سازی، تحول در نظام بانکی و ارزی و... تأکید می‌کردند و در واقع اختلاف اصلی گفتمان‌های مذکور نه در کلیات حرکت اقتصادی، بلکه در تاکتیک پیشبرد این اهداف و الویت‌بندی آنها بوده است. اما در اعمال و عملیاتی کردن این راهبردهای کلان، این دولت‌ها نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایداری را پیگیری کنند و رشد اقتصادی همواره تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و تأثیرپذیری زیاد از بازار جهانی، دارای فراز و فرودهای مختلفی بوده است. تغییرات نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی نیز وضعیت باثبات و مثبتی را در بسیاری از مقاطع مختلف دولت‌ها تجربه نکرده است و با فراز و فرود همراه بوده است که نشان



رویکردهای جدید دولت‌ها دانست بلکه تغییرات عملکردی بسیار محدود و کم ثابت بوده اند نتیجه این بحث آن است که باید گفت اراده دولت‌ها علیرغم تفاوت‌های گفتمانی خود تنها عامل مهم بر تحولات اساسی و کلان نبوده است.

تبیین چرایی تشابه عملکردی دولت‌ها در عرصه اقتصاد و کم تأثیر بودن تحول در عرصه دولت بر تحول در عملکرد اقتصادی دولت‌های مختلف هرچند بحثی فراتر است اما در مورد آن باید به ابعاد ماهیت فرایند عمل سیاسی در ایران و نوع تعامل عوامل ارادی (داخلی و بین‌المللی) توجه کرد.

وی متذکر شد «همانطور که در بخش مفهومی مطرح شد برای بررسی تحلیل چرایی تشابه عملکردی دولت‌ها، سه رویکرد مهم توسط اندیشمندان علوم سیاسی درخصوص عوامل مؤثر بر عملکرد دولت‌ها مطرح شده است برخی با تأکید بر دیدگاه‌های اراده‌گرایانه بر نقش کارگزاران سیاسی دولت‌ها در تحولات تأکید دارند و برخی محققان نیز با تأکید بر اولویت ساختارها، مدعی هستند که عملکرد دولت‌ها تحت تأثیر ساختارهای سیاسی مستقر می‌باشد و دولت‌ها اختیارات محدودی در ایجاد تحولات دارند اما

تأثیر بودن تحول در عرصه دولت بر تحول در عملکرد اقتصادی دولت‌های مختلف موارد زیر را می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱- نمی‌توان تنها با تکیه بر این عوامل ارادی به تحلیل عمل سیاسی در ایران پرداخت بلکه اراده دولت‌ها در عرصه عمل سیاسی در چارچوب ساختارهای مستقر جریان دارد و آنها علی‌رغم تفاوت‌ها مجبور به حرکت در شیارهای ساختاری موجود می‌باشند و عملکرد دولت‌ها به تنهایی از اراده آنها تأثیرگذار نبوده و عوامل دیگر را نیز باید در این ارتباط مورد توجه قرار داد به بیان دیگر دولت در جمهوری اسلامی به‌عنوان قوه مجریه در سلسله مراتب قدرت جای دارد و مجری قوانین و عمل در چارچوب برنامه‌های مصوب توسط نمایندگان مجلس می‌باشد و دولت ملزم به اجرای برنامه‌ها و قوانین و تحت تأثیر اسناد بالادستی همچون «تعیین سیاست‌های کلی نظام در عرصه‌های مختلف» و سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و... است که توسط نمایندگان مردم تصویب شده می‌باشد. براین اساس کم تحرکی دولت در عرصه تعامل با دیگر نهادهای سیاسی، برنامه‌ریزی، تقنینی، قضائی و نظارتی از یکسو و تأثیرگذاری ازسوی دیگر براین فرایندهای کلان به‌شدت قدرت



در نگرش‌های جدید ضمن توجه به نقش ذهنیت و کنش فردی، بر نقش ساختارهای عینی به عنوان چارچوب‌های کم و بیش منعطف برای این ذهنیت و کنش‌ها تأکید می‌کنند. این رویکرد سعی می‌کند تا از دو انگاری ساختاری و کارگزاری فاصله گرفته و آنها را دو سطحی بداند که در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند. نکته کلیدی در این دیدگاه آن است که حیات سیاسی نه مجموعه‌ای از کنش‌های فردی و نه مجموعه‌ای از ساختارها است بلکه به مثابه فرایندی در نظر گرفته شده است که مفهوم کلیدی آن عمل سیاسی به شمار می‌آید و دارای دو جنبه «عاملانه» و «ساختاری» است. و در فرایند عمل سیاسی امکان و توضیح و تبیین امور بدون ارجاع همزمان به کنشگران و ساختارها بعنوان وجوه مختلف کلیه اعمال سیاسی وجود ندارد.

او معتقد است براساس این بحث نظری در مورد چرایی کم

مانور دولت‌ها را محدود می‌سازد همچنین عمل سیاسی دولت در ایران ساختار سیاسی از عرصه بین‌المللی نیز متأثر است و از جمله عوامل تأثیرگذار بر عرصه دولت در دوران جدید ساختار جهانی و نظام بین‌الملل می‌باشد. تأثیرگذاری ساختار جهانی از طریق نهادهای قدرت در جهان در دنیای امروز قطعنامه‌های بین‌المللی، اعمال تحریم، استفاده از ابزارهای تهدید نظامی، بحث حقوق بشر و... از جمله راه‌های تأثیرگذاری نظام بین‌الملل به دولت‌های ملی می‌باشد تا آنها را وادار به تغییر رفتار نماید که این تأثیرگذاری را در ایران در دوران سال‌های بعد از انقلاب به‌خوبی می‌توان دید. تحریم گسترده ایران از طریق قطعنامه‌های سازمان ملل و فشار مجامع بین‌المللی برای تغییر رفتار دولت‌ها در ایران از جمله عوامل مؤثر بر عملکرد دولت‌ها در ایران بوده است. علاوه بر اینکه جهانی‌سازی چه به شکل پروسه و یا پروژه،

می‌باشد تجربه تاریخی کارگزاران دولتی در چند دهه انقلاب در اجماع‌سازی برای تغییرات مورد نیاز ساختاری نشان می‌دهد که با توانمندی دولت‌ها در تعامل و اجماع‌سازی می‌توان چالش‌های ساختاری کارآمدی همچون موانع حقوقی، نظارتی، برنامه‌ریزی و... را کاهش داد و مرتفع ساخت. براین اساس ارتقا عملکردی دولت‌ها و گفت‌وگوهای سیاسی در عرصه داخلی از یکسو در گرو پویایی درونی و توانایی ارادی آنها و از سوی دیگر در تعامل و ایجاد هماهنگی با بخش‌های مختلف ساختار سیاسی، برنامه‌ریزی، تقنینی، قضائی و نظارتی و توانایی اجماع‌سازی برای تغییرات مورد



نظر در داخل و تعامل و تاثیرگذاری هوشمندانه و فعال بین‌المللی در خارج می‌باشد.

۳- این پژوهش نشان داد که از یکسو ساختارهای موجود بین‌المللی (همچون نظام تحریم‌ها و...) و ساختارهای داخلی (همچون: ساختار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارتی و تقنینی و...) موانعی را برای کارآمدی دولت در عرصه اقتصادی بوجود آورده‌اند. اما از سوی دیگر دولت‌ها نیز علی‌رغم پویایی و تحول در نیروهای مدیریتی از توانمندی لازم برای تعامل فعال و هوشمند با این ساختارها به‌منظور تقویت هم‌گرایی‌ها و اجماع‌سازی بین بخش‌های مختلف برخوردار نبوده‌اند و از ضعف توانمندی تعامل بین بخشی رنج برده‌اند به بیان دیگر در دوره‌های مختلف، تعامل قوی و همه‌جانبه‌ای بین عوامل ارادی در دولت‌ها و دیگر قوا و مراکز تصمیم‌ساز نظام سیاسی شکل نگرفته و عمل سیاسی دولت‌ها در یک ارتباط متقابل کمتر در تعامل با ساختارهای سیاسی داخلی و بین‌المللی موجود جاری شده‌اند. و عمل سیاسی کارگزاران دولت‌های مختلف در تعامل با فشارها و محدودیت‌های ساختاری موجود، به شکل جزیره‌های متفاوتی انجام شده لذا عملاً دولت‌ها نتوانسته‌اند تحول مهم و بنیادینی را در عرصه اقتصادی شکل دهند لذا در تبیین چرایی ضعف عملکرد دولت‌ها در ایجاد تحول ساختاری در اقتصاد ایران باید به این واقعیت اذعان داشت که ضعف ارتباطی و تعاملی در فرایند عمل سیاسی بین ساختارها و کارگزاران نقش اصلی را در ضعف کارآمدی دولت ایفا می‌کند. درواقع براین اساس هر چند نوع گفت‌وگوهای سیاسی و ترکیب نیروهای دولت و اراده و توانایی‌های مدیریتی آنها تغییر کرده است اما توانایی‌ها و اراده مدیریتی قوی به‌منظور هماهنگی بین بخش‌های مختلف ساختار سیاسی داخلی و تاثیرگذاری فعال بر عرصه برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و ایجاد هماهنگی بین ساختارهای داخلی و تاثیرگذاری برای اصلاح ساختارها از یکسو و تعامل هوشمندانه و فعال بین‌المللی در عرصه خارجی به‌منظور تاثیرگذاری بر کاهش دادن موانع از سوی دیگر شکل نگرفته است و این فرایند در عمل سیاسی در ایران کم‌رنگ می‌باشد. که البته بحث عمق تر در مورد دلیل این کم‌رنگی تعامل نیز نیازمند پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌باشد.

بیشترین تهدیدات را در مقابل تمدن‌ها و فرهنگ‌های غیر غربی قرار داده است ترویج، سبک زندگی غربی، مصرف‌گرایی و تسلط فرهنگ غربی بر فرهنگ جوامع از جمله مهمترین محورهای این تلاش‌ها در عرصه جهانی‌سازی می‌باشد که می‌تواند با تاثیر بر عرصه اجتماعی در جوامع هدف، تقاضاهای جدیدی را مطرح سازند و هر نوع تلاش دولت‌ها برای برنامه‌ریزی توسعه بومی را با خطر مواجه سازند. توجه به این عوامل در ایران نیز اهمیت خاصی در تحلیل عملکرد دولت برخوردار است به‌طوری‌که می‌توان گفت همه دولت‌ها در ایران تحت تاثیر این فشارها قرار داشته‌اند و این عوامل به‌شدت عملکرد آنها را با مشکلات مشترکی مواجه ساخته است و بدون داشتن استراتژی مشخصی برای نوع مواجهه با این ساختار نیز نمی‌تواند از قدرت عمل بالایی برخوردار گردد.

۲- از سوی دیگر هرچند ساختارها نقش مهمی در جهت‌دهی به حرکت دولت دارند اما نمی‌توان این ساختارها را منجمد و متصلب دانست و برای اراده تغییر دولت‌ها ارزشی قائل نبود و از یک جبریت در روابط بین ساختار و دولت حمایت کرد بلکه باید گفت که دولت‌ها نیز از ابزار لازم تعامل و حتی ایجاد تحول در ساختارها برخوردارند. اصولاً ارتقای کارآمدی دولت‌ها در این ساختار در گرو تعامل مستمر و ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف نظام سیاسی و دولت و تاثیرگذاری بر برنامه‌های کلان توسعه و قوانین از طریق اجماع‌سازی در بخش‌های مختلف از یکسو و تعامل هوشمند به‌منظور رفع موانع بیرونی در راستای پیشبرد امور می‌باشد که این امر نیز نیازمند دارا بودن ساختار بروکراتیک قدرتمند و نیروهای توانمند اجرایی است. هرچند بررسی نیروهای اجرایی و مدیران دولتی در ایران نشان دهنده ظاهراً تحول روبه‌رشدی در تخصص، تجربه و مدارک علمی آنها است اما به نظر می‌رسد این ظواهر موجه به تنهایی کافی نیست (هرچند این امر نیز نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است که چرا دارندگان مدارک معتبر از کارآمدی لازم برخوردار نبوده‌اند؟) و دولت در ایران نیازمند یک نظام اداری کارآمد و نیروهای به‌واقع توانمند برای ایجاد تعامل و اجماع‌سازی در درون ساختار موجود و بین بخش‌های مختلف با دولت از یکسو و ایجاد تاثیرگذاری مناسب بر ساختارهای موجود در راستای تقویت کارآمدسازی آنها



نشست «سخنی در باب تعریف و حدود نظریه سیاسی»

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل یکی دیگر از سلسله نشست‌های خود را با عنوان سخنی در باب تعریف و حدود نظریه سیاسی، سه‌شنبه ۲۶ بهمن ۹۵ با سخنرانی دکتر پگاه مصلح برگزار کرد. در ادامه خلاصه‌ای از این سخنرانی آمده است.

الف) اهمیت بحث درباره «نظریه سیاسی»

۱- هر کنش و نهاد سیاسی فعلی مسبوق به نظریه یا نظریه‌های سیاسی پیشین است. میان نظریه و عمل نسبت دو سویه و هم‌زیستانه برقرار است.

۲- رفع معضلات حوزه علمی: بسیاری از معضلات بزرگ عرصه عمل به سبب عدم تفاهم بر سر تعریف مفاهیم بنیادین سیاسی، تحلیل درست وضعیت و تجویز ساز و کارهای مناسب روی می‌دهند.

ب) اهمیت بحث درباره «تعریف و حدود» نظریه سیاسی

۱- باید روشن باشد که در حوزه کنش سیاسی نیاز به نظریه سیاسی داریم پس باید بدانیم نظریه سیاسی درباره چیست و چه کاری می‌خواهد بکند.

۲- برای انتقال دانش باید شناخت کافی و مرزبندی نظریه سیاسی با شاخه‌های دیگر اندیشه‌ورزی اجتماعی و اندیشه‌ورزی سیاسی مشخص باشد.

۳- نامشخص شدن تعریف و حدود نظریه سیاسی مسئله‌ساز است. این مسئله‌سازی به سبب «ناکارآمد» شدن کلیت ساحت نظری است که عدم رفع مشکلات و پیچیده‌تر شدن معضلات زیست‌سیاسی را به همراه دارد. مثال: خلط نظریه اخلاقی و سیاسی و اشتباه گرفتن نظریه سیاسی با فلسفه سیاسی.

پ) درباره تعریف

منظور ما از تعریف باید روشن باشد. تعریف در منطق سنتی باید جامع و مانع باشد، متضمن دور و تعریف به اخفا نباشد. اما با رجوع به متافیزیک / 1036b می‌شود دید که تعریف مفهوم با تعریف شیء محسوس متفاوت است. نظریه سیاسی شیء ملموس و محسوس نیست و تعریفش به حدتام نیست که مقصودش حقیقت ذاتی شیء از طریق انضمام جنس قریب (پروتون گنوس) و فصل (دیافورا) باشد. تعریف نظریه سیاسی شناساندن موضوع است و نوع کاری که با این موضوع قرار است انجام شود و مرزهای آن با دیگر فعالیت‌های فکری است.

ت) طرح یک مشکل در فرایند پژوهش

مشکل تقدم و تأخر تعریف نظریه سیاسی و تعیین حدود آن؛ جابجایی این دو در فرایند پژوهش به ضرورت روی داده است. به این معنا که ابتدا به نظر می‌رسد تا تعیین حدود نظریه سیاسی با دیگر شاخه‌های مطالعه اجتماعی و سیاسی صورت نگیرد نمی‌شود به تعریف آن دست یافت. اما از سوی دیگر در فرایند پژوهش ملاحظه می‌شود که تا تعریفی از نظریه سیاسی در دست نباشد امکان تعیین حدود آن ممکن نمی‌شود. راه حل مشکل این است که ابتدا با تمرکز بر موضوع نظریه سیاسی، که سیاست و امر سیاسی است، و کاری که در نظریه سیاسی بر این موضوع اعمال می‌شود، به تعریفی از نظریه سیاسی دست یابیم و سپس بر مبنای این تعریف به تعیین حدود آن بپردازیم و از این طریق، تعریف حاصل شده را دقیق‌تر کنیم. اما در این جا پیش از پرداختن آرای متفاوت درباره سیاست و امر سیاسی، به کاری که باید نظریه پرداز سیاسی بر روی موضوع خود انجام دهد توجه می‌کنیم.

ث) در پاسخ به این پرسش که در نظریه سیاسی چه کاری باید روی موضوع انجام شود چند رویکرد داریم:

۱- رویکرد پوزیتیویستی - علم‌گرا

این رویکرد مبتنی است بر تفکیک کامل نظریه سیاسی از فلسفه سیاسی و روش ابطال‌پذیری تجربی. مانند کتاب «مقدمه‌ای بر نظریه سیاسی مدرن» از نورمن بری که می‌گوید نظریه سیاسی مبتنی بر فرضیه‌ای است که بشود از آن به پیش‌بینی رسید. بری بر اساس همین رویکرد نتیجه می‌گیرد که نظریه سیاسی دارای محتوا و روش بنیادین متعلق به خود نیست و باید در رابطه با اقتصاد و حقوق، اخلاق و... بحث شود.

۲- رویکرد غیر تبیینی یا نظریه‌سیاسی به مثابه «تفکر»

جان پلامناتز در سال ۱۹۶۰ چنین گفته است: «منظور من از نظریه سیاسی تبیین چگونگی کارکرد حکومت‌ها نیست، منظورم تفکر نظام مند درباره اهداف حکومت‌هاست». ملاحظه می‌شود که در این برداشت، نظریه سیاسی از جنس تفکر نظام‌مند است و تبیین علت



و معلولی مورد نظر نیست. این رویکرد به ریشه اصطلاح نظریه نزدیک می‌شود که تئوری است: تئوری در یونان باستان به معنای نظریه‌ورزی، دیدن با عقل، تعمق و تأمل بود که بعدها در افلاتون از لحاظ محتوایی بر فلسفه‌ورزی منطبق شد.

۳- رویکرد تبیینی - استدلالی

آیزایا برلین در مقاله مهم «آیا نظریه سیاسی هنوز وجود دارد؟» در سال ۱۹۶۱ بر اهمیت برهان آوری و کنجکاوی عقلانی در نظریه سیاسی تأکید کرد که صرفاً متکی بر علیت و روابط کارکردی و مطالعات آماری نیستند بلکه به انگیزه‌ها و دلایل متکی‌اند. هوفن و گراهام نیز این موضع را دارند.

۴- رویکرد هنجاری

کریستین هلیول و بری هیندس معتقدند نظریه سیاسی از دیگر شاخه‌های علوم سیاسی جدا می‌شود زیرا به مباحث هنجاری زندگی سیاسی بازمی‌گردد. این رویکرد بر این اساس استوار است که برخلاف تلقی پوزیتیویستی، نظریه سیاسی به طور ماهوی به هنجارهای سیاسی وابسته است و باید به ارزیابی آنها بپردازد.

۵- رویکرد کنش‌گفتاری

انگین آیزین می‌گوید نظریه سیاسی نه فقط کار متفکران، بلکه کنش‌گفتاری همه کسانی است که زندگی سیاسی دارند. نظریه سیاسی فقط توصیف رویدادهای نیست بلکه جهان را به وجود می‌آورد.

نکته: این مؤلف نظریه سیاسی را با نظر سیاسی، و قرار گرفتن در ساحت سیاست را نیز با سیاست ورزی اشتباه گرفته است.

۶- رویکرد ترکیبی: هنجاری - تبیینی - تحلیلی

مارک فیلپ در سال ۲۰۰۸ کوشش کرد تعریف جامع‌تری از نظریه سیاسی ارائه دهد که ابعاد مختلفی داشته باشد. او گفت: نظریه سیاسی تأمل نظام مندی است بر سرشت سیاست، عوامل علی ثبات و تغییر سیاسی، چارچوب نهادی تداوم کنش‌های سیاسی، ارزش‌ها و اهداف کنش‌ها و سازمان‌های سیاسی، و شرایط تحقق این اهداف. او بر اهمیت نقش تعیین‌کننده زمینه تاریخی در فهم متون و ایده‌های سیاسی تأکید کرد که نسبت این ایده‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

۷- رویکرد رفلکسیو

مایکل فریدن اظهار کرده است که باید اندیشیدن به سیاست و سیاسی‌اندیشی را از یکدیگر تفکیک کرد. نظریه سیاسی باید هم سیاست و الگوهای اندیشیدن به سیاست را شکل دهد و هم به خود بازگردد و خود انتقادی باشد. در این رویکرد اهمیت زبان شکل دهنده به نظریه سیاسی و اهمیت نقد ایدئولوژی نیز مطرح شده است. رویکرد اندرو وینسنت هم رفلکسیو است. وینسنت در کتاب «سرشت نظریه سیاسی» بر لزوم تأمل انتقادی تأکید کرده و گفته است که شیوه نظریه پردازی سیاسی به طور بنیادین بر موضوع آن که سیاست است تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تفکیک نظر و عمل جزم باوری بیهوده‌ای است.

۸- رویکرد گفتمانی و تکرگرا

در این رویکرد پژوهشگرانی مانند بیکو پارک تعاریف ذات باور و متکی به سرشت بشر از نظریه سیاسی را کنار می‌گذارند. از این منظر، نظریه سیاسی یک رشته علمی نیست بلکه یک گفتمان است و راه‌های متفاوتی برای نظریه‌پردازی سیاسی وجود دارد و مکالمه انتقادی میان اشکال متفاوت آن برقرار است. این رویکرد رابطه دیالکتیکی میان‌نظریه سیاسی و علم سیاست را نیز مطرح کرده است.

۹- رویکرد تفسیرگرا

به رای تددیشه‌ورانی چون لسلی تیل، نظریه سیاسی درصدد پیش‌بینی رفتارها نیست بلکه می‌خواهد فکر و کنش انسانی را به طور روشنگرانه و برای ارتقای فهم تفسیر کند. نظریه پرداز با معنا سر و کار دارد و معنا نه در قانون‌های عینی بلکه در فهم‌های بیناذهنی و مشترک ریشه دارد. ارزش یک نظریه سیاسی نه در پیش‌بینی‌های اثبات پذیر آن بلکه در ظرفیت آن برای آگاه سازی و روشن کردن زندگی سیاسی است. کنش سیاسی مانند اثر هنری است نه واکنش شیمیایی که نیاز به تبیین و پیش‌بینی و کنترل داشته باشد.

۱۰- رویکرد آگاهی بخش و هشدار

شلدون ولین در سال ۱۹۶۰ بیان کرد که بر خلاف فیزیک و علوم طبیعی، نظریه سیاسی پیش‌بینی نمی‌کند اما هشدار می‌دهد و ضمناً امکانات و شروط لازم و کافی تحقق اهداف را بیان می‌کند. او از متافیزیک سیاسی نیز سخن گفت که ورود مقوله‌های متافیزیک به نظریه سیاسی است و آن را به فلسفه سیاسی نزدیک می‌کند.

ج) موضوع یا محتوای نظریه سیاسی: سیاست و امر سیاسی

برای پرداختن به نسبت سیاست و امر سیاسی باید به آرای اندیشمندانی چون کارل اشمیت، هانا آرنت، پل ریکور، جان رالز، یورگن هابرماس و شنتال موف توجه داشت. کارل اشمیت در سال ۱۹۳۲ کتابی با عنوان «مفهوم امر سیاسی» نگاشت و در آن اعلام کرد که اساس امر سیاسی بر تفکیک دوگانه دوست و دشمن مبتنی است. اندیشمندان دیگر کوشیده‌اند تعریف خود را بر پایه موضع‌گیری در برابر این نگاه اشمیت مطرح کنند و فهم و نقد آرای آنها به طور مستقیم بر تعریف نظریه سیاسی تأثیر می‌گذارد.



گزارشی از درسگفتار «اصول فقه»

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل درسگفتار «اصول الفقه» را با ارائه حجت الاسلام داود مهدوی زادگان در ۱۰ جلسه برگزار کرد. در این دوره آموزشی متن درسی کتاب «الموجز فی اصول الفقه» (۱۳۹۲/ چ ۱۸) اثر آیت‌الله جعفر سبحانی حفظه‌الله که به عنوان متون درسی حوزه در سال‌های اخیر شناخته شده، ارائه گردید. در زیر خلاصه‌ای از این جلسات آمده است.

خلاصه جلسه اول

* اصول الفقه دانش کهن و ملازم با علم فقه است و به کشف قواعد و اصول استنباط احکام فقهی می‌پردازد.

* این درسگفتار در سه سطح مدخل (بیان خاستگاه، تطورات تاریخی، تمایزات، آثار علمی...)، مقدمه (تعریف موضوع، قلمرو و تقسیم‌بندی مباحث، غایت...) و مسائل منظور شده است. عالمان این دانش در گذشته کمتر به طرح مباحث مدخل و مقدمه توجه می‌کردند و بیشتر مایل بودند هر چه سریع‌تر وارد مسائل علم شوند. اما امروزه توجه وافر به آن می‌شود و بعضاً آثار مستقلاً در این باره تألیف شده است. البته برخی منازعات علمی مانند منازعه میان اخباریون و اصولیون، توجه به مباحث مربوط به مدخل را دامن زده است.

* ابو زید مصری گفته است تمدن اسلامی متن محور و تمدن غربی عقل محور است. و این سخن درستی است. وجود متن، عامل اساسی در شکل‌گیری دانش‌های مختلفی از جمله اصول الفقه است. زیرا برای فهم متن به بهره‌مندی از قواعد فهم متن نیاز بود. لیکن چنین توجهی بیشتر در میان فقیهان پدید آمد و عارفان و مفسرین و متکلمین کمتر به آن توجه داشتند. زیرا فهم متن آنان پیامد عملی چندانی برای مسلمانان ندارد ولی فهم دقیق بخش شریعت متن (کتاب و سنت) در نظر فقیهان مهم بود. زیرا فتوای فقیه مرجع عمل به تکلیف مسلمانان است.

* ابن خلدون در کتاب مقدمه العبر می‌گوید مبدع علم اصول الفقه، امام شافعی است. نگاه افراطی اخباریون نیز بر همین باور است که این علم از آن اهل سنت است و در عصر معصومین علیهم السلام معهود نبوده است. و حال آن که واقعیت چنین نیست. خیلی از مباحث الفاظ و حجیت و اصول عملیه توسط معصومین طرح شده است و از جمله هشام بن‌الحکم پیش از شافعی درباره برخی قواعد اصول الفقه رساله نوشته است.

* تطور تاریخی اصول الفقه را می‌توان به شش دوره تا کنون تقسیم کرد: اول - دوره متن. در این دوره معصومین علیهم السلام شاگردان را به قواعد اساسی این دانش توجه می‌دادند و شاگردان نیز در این باره سوال می‌کردند و تکیه‌گاری‌هایی هم دارند. دوم - دوره کتابت؛ اقدام به کتابت و تألیف اثری که جامع مسائل اصول الفقه باشد، مربوط به این دوره است و عمدتاً به کتاب «الذریعه الی اصول الشریعه» تألیف سید مرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶) اشاره می‌کنند. سوم دوره بالندگی؛ اصول الفقه در این دوره توسط شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) با تألیف کتاب «العدّه» به مرحله کمال نزدیک می‌شود. همین امر قریب به یک صد سال موجب پدید آمدن رکود علمی می‌شود. زیرا علمای بعد شیخ طوسی تا مدت‌ها گمان می‌کردند که ایشان هر آنچه که باید گفته شود، گفته است. چهارم، دوره فتح باب علم اصول الفقه؛ ابن ادریس (متوفی ۵۹۸) از جمله علمای برجسته امامیه بود که برابر این جمود فکری مقاومت کرد و باب اجتهاد و فقاہت را باز کرد. بعد وی محقق حلی (متوفی ۶۷۶) با کتاب «معارج الاصول» و علامه حلی (متوفی ۷۲۶) با کتاب «نهج الوصول الی معرفت الاصول» و فرزند شهید ثانی حسن بن زین الدین (متوفی ۱۰۱۱) با کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین»، دانش اصول الفقه را به حد قابل توجهی از اعتلای علمی رساندند. پنجم، دوره چالش؛ با سلطه فکری اخباری‌گری در قرن‌های یازدهم و دوازدهم، علم اصول الفقه دچار چالش شد. میرزا محمد امین استرآبادی (۱۰۳۲) در کتاب «الفوائد المدنیّه» حاجت به دانش اصول الفقه را به چالش کشید. ششم، دوره عبور از بحران؛ از اواسط قرن با آشکار شدن افراط‌گری اخباریون، نهضت احیا و باز گرداندن اصول الفقه به جایگاه پیشین خود و نیز شکوفایی آن توسط استاد الاکبر مرحوم وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵) با تألیف کتاب «الفوائد الحایریه الاصولیه» به راه افتاد. این دوره تا به امروز ادامه دارد و آثار علمی زیادی توسط بزرگانی همچون فاضل تونی، میرزای قمی، نراقی، شیخ مرتضی انصاری، آخوند خراسانی محمد کاظم، میرزای نائینی، آغا ضیاء عراقی و دیگران رحمت‌الله علیهم تألیف شده است. برخی از این آثار جزء متون درسی سطوح عالیه حوزه علمیه است.

* مباحث ما در این چند جلسه براساس کتاب الموجز فی اصول الفقه تألیف حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی حفظه‌الله خواهد بود.

خلاصه جلسه دوم

در جلسه گذشته تطورات دانش اصول الفقه در شش دوره از عصر معصومین علیهم السلام تا به امروز تقسیم‌بندی شد. به نظر می‌رسد در آستانه شروع دوره جدیدی هستیم. این دوره با حضور مستقیم فقیهان در اداره حکومت، در حال شکل‌گیری است. زیرا فقه حکومتی نیازمند کشف قواعد فهم احکام حکومتی است.

باید تمایز این علم را با سایر علوم روش شناختی بررسی کرد و نه مطلق علم. از این رو، تمایز اصول الفقه با علم منطق آن است که منطق، دانش قواعد درست فکر کردن و در سخن گفتن است ولی اصول الفقه، دانش قواعد درست فهمیدن است. برخی گمان می‌کنند میان این دو فرقی نیست و رابطه اصول الفقه با فقه را مانند نسبت منطق و فلسفه می‌دانند و این صحیح نیست. اما تمایز اصول الفقه با دانش قواعد فقهیه آن است که اصول الفقه عمومیت دارد و در سایر علوم کاربرد دارد. بخلاف قواعد فقهیه که درون علم فقه جای دارد. اما تمایز آن با دانش هرمنوتیک آن است که هرمنوتیک علاوه بر توجه به جنبه هستی‌شناسانه متن، بیشتر به فهم قواعد زمینه متن توجه دارد.

بنابراین، دانش اصول الفقه از قواعدی بحث می‌کند که با توصل به آنها احکام شرعی استنباط می‌شود. مؤلف کتاب الموجز اینطور تعریف کرده است: «هو علم يبحث فيه عن القواعد التي يتوصل بها الي استنباط الاحكام الشرعيه (عن الادله أو ما ينتهي اليه المجتهد عند اليأس عن ادله الاجتهاديه)». علامت پرانتز در متن کتاب نیست. چون عبارت داخل، بیان استنباط احکام شرعی است و لذا دخالتی در تعریف اصول الفقه ندارد. مصنف می‌گوید با قید الشرعیه، احکام عقلیه خارج می‌شود. حال آن که احکام عقلیه بخشی از احکام شرعیه است. زیرا عقل یکی از منابع فقه است. درست‌تر آن است که گفته شود با این قید، احکام عرفیه خارج می‌شود. موضوع دانش اصول الفقه عبارت از «الحجت في الفقه» یا «قواعد استنباط احکام شرعیه» است. البته مراد از حجج و قواعد اعم از واقعی و شأنی است.

تقسیم‌بندی مباحث به این شرح است:	سوم: مباحث حجج و امارات
مقدمه: وضع الالفاظ (مفردات)	چهارم: مباحث اصول عملیه
اول: دلالت‌های لفظیه (مرکبات؛ جمله)	خاتمه: مباحث تعادل و تراجیح
دوم: دلالت‌های عقلیه	

خلاصه جلسه سوم

پیش از ورود در مسایل دلالت الفاظ، اموری مربوط به وضع لفظ است که در مقدمه بیان می‌شود. در اینجا به اهم این امور می‌پردازیم.

۱. **حقیقت وضع:** در تعریف وضع الفاظ گفته شده: جعل اللفظ فی مقابل المعنی و تعیینه للدلاله علیه. طبق این تعریف، دلالت لفظ بر معنا ذاتی نیست بلکه قراردادی است. اگر دلالت ذاتی باشد، همه افراد در هر جا و زمانی که بسر می‌برند، باید با شنیدن آن لفظ، معنا را بفهمند و حال آن که چنین نیست.

۲. **اقسام وضع:** وضع الفاظ بنا به اعتبارات مختلف به چند دسته تقسیم می‌شود. در اینجا به دو اعتبار اشاره می‌شود.

الف) به حسب فعل وضع: بنا بر عمل وضع لفظ برای معنا یا موضوع له، چهار قسم وضع متصور است. زیرا به هنگام وضع ممکن است موضوع له خاص یا عام است و وضع لفظ ممکن است خاص یا عام باشد. پس چهار شکل متصور است:

۱. وضع خاص و موضوع له خاص؛ مانند اسامی اشخاص و اشیا معین
۲. وضع عام و موضوع له عام؛ مانند اسم جنس کتاب، فرس، خانه
۳. وضع عام و موضوع له خاص؛ اسامی حروف از، تا، من، الی
۴. وضع خاص و موضوع له عام

درباره امکان و وقوع این چهار شکل به تفصیل بحث شده است. اتفاق نظر بر این است که شکل اول و دوم ممکن و واقع شده است. در قسم سوم ممکن است ولی در وقوع چنین قسمی اختلاف نظر است. اگر مثال به حروف درست باشد، واقع شده است. اما در امکان قسم چهارم غالباً نفی می‌کنند. نمی‌شود وضع برای خاص باشد ولی معنای عام اراده شود.

نظریه: به نظر می‌رسد شکل چهارم وضع امکان دارد و می‌توان به لفظ «وجود» یف حقیقت محمدیه مثال زد. وضع در هر دو مورد خاص و مشخص است ولی هر دو دلالت بر معنای عام دارد.

ب) به حسب واضع (وضع کننده لفظ برای معنا)

۱. وضع تعیینی (وضع از سوی فرد یا جماعت معین)



۲. وضع تعینی (وضع از سوی فرد یا جماعت نامعین)

گفته شده اگر وضع به معنای جعل باشد؛ در این صورت شامل وضع تعینی نمی‌شود. از این رو، برخی در تعریف وضع به جای لفظ جعل، کلمه «اختصاص» را به کار برده‌اند. در این صورت، شامل استعمال مجازی هم می‌شود و استعمال مجازی، وضع نیست. نظر: لیکن عرفاً به وضع تعینی جعل هم گفته می‌شود. و لذا بهتر آن است که جمله «و تعینیه للدلالة علیه» را از تعریف بالا حذف کنیم تا شامل وضع تعینی بشود. حقیقت وضع مطلق جعل اللفظ فی مقابل المعنی است.

۳. تقسیم دلالت

۱. دلالت تصویری (انتقال الذهن الی معنی اللفظ بمجرد سماعه)

۲. دلالت تصدیقی (دلالة اللفظ على أنَّ المعنی مراد للمتکلم و مقصوده)

درباره دلالت تصدیقی گفته شد این نوع دلالت متوقف بر چهار شرط است: (۱) متکلم عالم به لغت؛ (۲) در مقام بیان؛ (۳) جدی باشد؛ (۴) و قرینه خلاف معنی حقیقی به کار نبرده باشد. این چهار شرط را می‌توان «مقومات دلالت» نامید.

فرع: آیا دلالت تابع اراده متکلم است؟ برخی این پرسش را طرح کردند که آیا اساساً دلالت تابع اراده است؟ نظریه غالب این است که به دلیل چهار احتمال یاد شده، دلالت تابع اراده متکلم است.

نظریه: دیدگاه غالب تالی فاسد دارد به‌ویژه در محاکم حقوقی. تصدیق در ساختار ترکیبی الفاظ (جمله) مستقل از اراده متکلم وجود دارد. جمله فی نفسه بر معنا دلالت دارد ولی در نسبت با متکلم تابع اراده است. لیکن، این نحو دلالت غیر مستقل، توقیفی نیست بلکه مبتنی بر اصل است. یعنی فهم اراده متکلم متوقف بر این چهار شرط نیست بلکه متکی بر این چهار اصل است. بهتر است این شروط چهار گانه را «اصول الدلالة» بنامیم و نه «مقومات الدلالة». تفاوت این دو نظر در امر تفحص است. بنابر نظر غالب، فحص از اراده متکلم لازم است ولی بنا بر نظر غیر غالب، فحص لازم نیست. چنان که عرف به همین نحو (عدم فحص) عمل می‌کند. زیرا به آن چهار اصل تکیه می‌کند.

خلاصه جلسه چهارم

مقدمه چهارم: حقیقت و مجاز

استعمال لفظ در معنا سه گونه است

* استعمال حقیقی (استعمال در معنای موضوع له؛ مثل لفظ اسد برای حیوان مفترس)

* استعمال مجازی (استعمال در غیر معنای موضوع له همراه با وجود نسبت و ارتباط خاص؛ مثل اسد برای انسان شجاع)

* استعمال غلط (استعمال در غیر معنای موضوع له بدون وجود مناسبت؛ مثل لفظ اسد برای انسان ترسو یا برای اسب)

استعمال حقیقی ادعایی؛ بر خی استعمال مجازی را حقیقی ادعایی می‌دانند.

فرع: آیا در کتاب و سنت یا عقل، استعمال مجازی جریان دارد؟

علائم و نشانه های حقیقت و مجاز

* تبادر؛ سبقت و زود به فهم در آمدن معنا از مجرد لفظ بدون وجود قرینه.

* صحت حمل و عدم صحت سلب لفظ از معنا

فرع: مراد از حمل در اینجا حمل اولی (حمل مفهومی) است و نه حمل شایع صناعی (حمل مصداقی) و لیکن فیه تأمل. زیرا دلالت وضعی است و نه ذاتی.

اصول لفظیه

گاهی شک (۱) در دلالت لفظ بر معنای حقیقی؛ به علائم حقیقت رجوع می‌شود. (۲) در اراده متکلم، بر چند اصل عملی تکیه می‌شود:

* أصالة الحقيقة

* أصالة العموم

* أصالة الإطلاق

* أصالة عدم التقدير (مانند: واسئل القرية التي كنا فيه)

* أصالة الظهور

حقیقت شرعیه

حقیقت لفظ در معنای موضوع له سه گونه است:

(۱) حقیقت لغوی؛

(۲) حقیقت عرفیه یا متشرعه؛



(۱) الفاظی مانند صلا، صوم، زکاة و حج پیش از نزول وحی در معنای لغوی یا عرف جاهلی دعا، امساک، رشد و نمو و قصد بوده است.

(۲) این الفاظ پس از عصر نزول وحی در معنای شرعیه حقیقت شده است.

سوال: آیا حقیقت شدن این الفاظ در معنای شرعیه توسط شارع مقدس بوده است (حقیقت شرعیه) یا در اثر کثرت استعمال عرف متشرعه (حقیقت متشرعه).

نظر: برخی معتقدند که چون حقیقت شرعیه مبتنی بر وضع تعیینی شارع یا تعینی عرف متشرعه عصر نزول وحی است و چنین وضعی روایت نشده است؛ لذا منکر حقیقت شرعیه هستند. لیکن در این عقیده جای تأمل است. چون قرآن کریم معجزه پروردگار است و یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم همین حقیقت شرعیه است. قدرت نظام واژگانی کتاب وحی به قدری است که نظام واژگانی عرب جاهلی را کنار می‌زند.

خلاصه جلسه پنجم

فصل اول: دلالت لفظی

۱. اصولیون در بحث مباحث الفاظ یا دلالت الفاظ به نحو دانش مستقل وارد نشده‌اند بلکه حسب نیاز به فهم قواعد استنباط، به گونه‌ای مصداقی ورود پیدا کرده‌اند. لذا از هر عنوان بحث مصداقی، تعبیر به «مقصد» کرده‌اند.

۲. لسان شریعت، تکلیفی است و لذا بر دو مفهوم اساسی امر و نهی (احکام تکلیفی) استوار است. این دو معنا یا لسان تکلیفی جدا از دلالت وضعی‌شان، در قالب‌های معنایی مانند مطلق و مقید، عام و خاص، شرطیه و غیر شرطیه بیان می‌شود. تمام این مباحث در بخش دلالت الفاظ، طرح می‌شوند. و اولین مقصد در فصل دلالت لفظ عبارت از «اوامر» است.

مقصد اول: اوامر

دلالت لفظ بر معنای امر بواسطه ماده و لفظ امر یا هیأت و صیغه امر است.

الف) دلالت معنا در ماده امر

۱. واژه امر، در چند معنا (طلب، فعل، حادثه، شأن) استعمال می‌شود.

۲. این چند معنا را در دو معنای طلب (ما منعک اَنْ لا تَسْجُدَ اِذ اَمَرْتُک) و فعل؛ یا طلب و شی (و شاورهم فی الامر) خلاصه کردند.

۳. اشتراک این دو معنا در واژه امر، لفظی است. زیرا قابل ارجاع بر یکدیگر نیستند. امر در معنای طلب قابل اشتقاق است ولی در معنای فعل، چنین نیست. جمع امر به معنای طلب، اوامر است و به معنای فعل یا شی، امور است.

۴. دلالت امر بر معنای طلب علو و استعلاء معتبر است. زیرا امر نسبت به مامور ممکن است عالی یا دانی یا مساوی باشد. شکل اول را فرمان، دوم را استدعا و شکل سوم را تقاضا یا التماس گویند. برخی علو را کافی می‌دانند و برخی هم هیچکدام را لازم نمی‌دانند.

ب) دلالت معنا در صیغه امر

۱. صیغه امر مانند إضرب، تغتسل، طلب ماده صیغه (ضرب و غسل) از مخاطب است.

۲. این طلب به انگیزه‌های مختلف مانند بعث (اوفوا بالعقود)؛ تهدید (اعملوا ما شئتم) و تعجیز (فأتوا بسورة من مثله) از سوی متکلم صادر می‌شود.

نظر: دلالت امر بر معنای تکلیفی به نحو بعث است. مرحوم مظفر از آن با عنوان «نسبت الطلبیه» یاد می‌کند.

ج) معنای تکلیفی ماده و صیغه امر در وجوب

طلب انبعائی بر دو معنای اشتدادی وجوب (طلب الفعل مع منع من الترتک) و ندب (طلب الفعل مع الجواز من الترتک) دلالت دارد. لذا در دلالت ماده امر یا صیغه امر بر وجوب یا ندب یا مطلق طلب، اختلاف است.

نظر مشهور بر وجوب است. زیرا ماده امر یا صیغه امر ظهور در وجوب می‌دانند.

برخی (میرزای قمی و آخوند خراسانی) دلیل استظهار وجوب را لفظی (ظهور وضعی) و برخی (مظفر و سبحانی) دیگر به حکم عقل می‌دانند. لیکن چون بحث در دلالت لفظی است، اگر با ظهور وضعی مخالفت شود؛ باید قول به مطلق طلب را پذیرفت.

نظریه

این بحث (وجوب یا ندب) با عنایت به دو مبحث علو و استعلاء (مواضع سه گانه عالی و دانی و مساوی) و مبحث قصد و اراده متکلم، پاسخ داده می‌شود. و چون این دو مبحث مربوط به بعد وضع است؛ می‌توان گفت ماده و صیغه امر، ظهور وضعی در مطلق طلب دارد و استظهار وجوب به حکم عقل است. لیکن بنابر قول به حقیقت شرعیه، استعمال حقیقی شارع مقدس در طلب وجوبی است.

نکته: به دلیل پرهیز از تکرار مطلب، بحث وجوب را متاخر از بحث ماده و صیغه امر آوردیم.



نشست تخصصی «دو رویکرد در برنامه فلسفه برای کودکان»

روز چهارشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۵ گروه فبک پژوهشکده اخلاق و تربیت در نشست تخصصی «دو رویکرد در برنامه فلسفه برای کودکان» پذیرای دو مهمان خارجی «ایزابل میلون» از کشور فرانسه و دکتر «محبوبه عسگری» دانشجوی پسادکتری دانشگاه بریتیش کلمبیا از کشور کانادا بود. در ابتدای مراسم دکتر «روح‌الله کریمی»، عضو هیأت علمی گروه فبک، بعد از خوشامدگویی، توضیحاتی درباره فلسفه برای کودکان و سبک‌ها و رویکردهای گوناگون موجود ارائه کردند و هدف اصلی این نشست را شناسایی شیوه‌های گوناگون موجود و بهره‌برداری از آنها برای بومی‌سازی شیوه‌ها بر اساس رویکرد اسلامی- ایرانی عنوان کرد. وی در ادامه به کتاب‌های متعددی از «اسکار برنی‌فیه» اشاره کرد که در ایران ترجمه و به چاپ رسیده است. از جمله این کتاب‌ها مجموعه ۹ جلدی «کودکان فیلسوف» و همچنین کتاب اخیر با نام «فلسفیدن با ملانصرالدین» است که توسط انتشارات حکمت منتشر شده است. ایشان در ابتدای سخنرانی خود گفت: «به طور کلی دیدگاه‌ها، روش‌ها و رویکردهای مختلفی که در فلسفه برای کودکان وجود دارد به دلیل خوانش‌ها و درک‌های گوناگون از روش سقراطی است. مانند سقراط خرمگس، سقراط به دنبال حقیقت، سقراط دشمن سوفسطائیان و... مثلاً سقراط خرمگس، سقراطی است که قصد دارد در مقابل قدرت حاکم ایستادگی کند و سقراطی که برای حل مسائل همشهریان خود تلاش می‌کند. تفسیری که اغلب از لیپمن ارائه می‌شود این است که او سقراط را به گونه‌ای می‌خواند که به دنبال حل مسائل موجود برای افراد است، اینکه در مساله اینجا و اکنون چه راه حلی وجود دارد، هر چند که این راه حل قطعی و نهایی نیست ولی می‌تواند با گفتگو مساله را حل کند. سقراطی دیگر که توسط اسکار برنی‌فیه به ما معرفی می‌شود، سقراطی است که در پی کشف حقیقت و دشمن سوفسطائیان است.»

وی اضافه کرد هدف از این نشست اجرای عملی دو رویکرد یا دو خوانش سقراطی است که توسط لیپمن و برنی‌فیه ارائه شده است. البته شاید هیچ یک از دو مجری کارگاه امروز خود را به طور کامل در بند شیوه‌ای که بدان منسوب می‌شوند ندانند، که این نکته را نیز باید مد نظر داشت. ایزابل میلون که همسر اسکار برنی‌فیه است، هر دو از منتقدان روش لیپمنی هستند. اسکار برنی‌فیه در مقاله خود به صراحت به نقد روش لیپمنی پرداخته است. حاضران در این نشست غالباً از شرکت کنندگان کارگاه تربیت مربی فلسفه برای کودکان در پژوهشگاه بودند که برای ما اهمیت دارد با شیوه‌های مختلف اجرای فبک به طور مستقیم آشنا شوند. دانش‌آموزان شرکت کننده در دو کارگاه نیز از مدرسه مفید قلعه تهران بودند که همگی سابقه شرکت در کلاس‌های فبک را داشتند. بعد از معرفی دکتر کریمی کارگاه ایزابل میلون به زبان انگلیسی آغاز شد. موضوع آغازین این کارگاه داستانی از کتاب فلسفیدن با ملانصرالدین با نام «بخور کت من، بخور» بود. با توجه به محدودیت زمانی، بیشتر سؤالات و مباحث پیرامون مهارت گوش دادن، احترام گذاشتن به یکدیگر، به جای فرد دیگری پاسخ ندادن و... بود و اندکی نیز فهم‌های مختلف از داستان توسط میلون به چالش کشیده شد.

کارگاه دوم توسط خانم دکتر عسگری و ۱۲ نفر دیگر از دانش‌آموزان شروع شد و موضوع آن دوستی بود. دکتر عسگری از دانش‌آموزان خواست تا نام ۳ چیز یا ۳ فرد که در طول زندگی‌شان بیشترین دوستی را با آنها داشته‌اند روی کاغذ بنویسند و بعد علت انتخاب خود را نیز یادداشت کنند. بعد از اینکه هر یک از بچه‌ها دوستان خود و علت انتخاب آنها را مطرح کردند این سؤال به بحث گذاشته شد

که آیا می‌توان غیر انسان را به عنوان

دوست برگزید؟ چرا بلی و چرا خیر؟ در انتهای نشست، مهمانان و استادان حاضر به سؤال‌های شرکت کننده‌ها و حاضرین در سالن پاسخ دادند. به طورهمزمان با این نشست از کتاب تازه منتشر شده «فلسفیدن با ملانصرالدین» نوشته اسکار برنی‌فیه و ایزابل میلون با ترجمه دکتر روح‌الله کریمی و دکتر مهرنوش هدایتی توسط نشر حکمت رونمایی شد.



گزارش نشست «نقش کتاب سیر حکمت در اروپا در غرب‌شناسی ایرانیان»



اساساً این مسیر را خطی ندانیم. فروغی در این کتاب ناخواسته با این سوال مواجه است که به عنوان یک مسلمان وقتی با غرب مواجه می‌شود از کجای این تاریخ آغاز کند؟ دکارت مهم است، افلاطون، قرون وسطی یا دوره معاصر؟»

وی یادآور شد: «فروغی در پاسخ به این سوال فهم دکارت را مهم می‌داند. او می‌گوید در مشرق زمین و ممالک اسلامی جریان معارف مانند دوران اسکولاستیک اروپا بوده است و این تقلید از اسکولاستیک اروپا از این نظر شگفت‌آور است که شرع مقدس اسلام بنیان همه امور را بر عقل گذاشته است. بنابراین از مسیحی‌ها انتظار می‌رود این فرایند را طی کنند اما از مسلمانان چنین انتظاری وجود ندارد، چون در تمدن اسلامی بنیاد احکام بر عقل گذاشته است. فروغی می‌گوید تعلیمات هیچ فیلسوفی را ضروری دین نشمرده است با این همه فضایی ما هم همان جمود عصر اسکولاستیک را داشتند. به گفته شجاعی‌جشوقانی، فروغی بیان می‌کند که غربیان به واسطه شرقیان معرفت آموختند ولی غربی‌ها بساط اسکولاستیک را برچیدند و هفت شهر عشق را گشتند اما ما اندر خم به کوچه ماندیم. فروغی با این متن مشخص می‌کند که در این کتاب باید به دنبال چه چیزی بگردیم. متأسفانه در کشور ما اغلب فروغی را یک مترجم می‌دانند در حالی که او در موارد مختلفی فلسفه غرب را با فلاسفه مسلمان مقایسه می‌کند.»

وی با بیان اینکه کتاب «سیر حکمت در اروپا» نخستین و آخرین کتاب درباره تاریخ اندیشه اروپایی است که نوشته شده بیان کرد: «این کتاب راه را برای مباحث بعدی در تاریخ اندیشه همواره می‌کند و منبع غرب‌شناسی دوران معاصر در ایران همین کتاب است. افرادی چون شهید مطهری نیز منبع اول یا یکی از منابع مهم‌شان همین کتاب است. مقدمات فروغی در این کتاب به خوبی پروژه او را نشان می‌دهد. او می‌گوید برای نخستین بار می‌خواهد درخت تجدد را در ایران بکار. فروغی در مقدمه جلد دوم می‌گوید ما می‌دانیم سابقه تمدن اسلامی ما درخشان است. او پیش فاضل تونی ابن سینا خوانده

به همت پژوهشکده فرهنگ معاصر نشست «نقش کتاب سیر حکمت در اروپا در غرب‌شناسی ایرانیان» یکشنبه ۱۰ بهمن با سخنرانی مالک شجاعی‌جشوقانی در سالن اندیشه برگزار شد.

شجاعی‌جشوقانی در ابتدای این نشست با بیان اینکه کتاب «سیر حکمت در اروپا» در مجموعه کتاب‌های کلاسیک قرار می‌گیرد، اظهار کرد: «کتاب سیر حکمت مشمول این تعریف از کتب کلاسیک شده که همه به آن ارجاع می‌دهند اما کسی این کتاب‌ها را نمی‌خواند. البته از فرهنگ عمومی انتظار نمی‌رود که این کتاب را بخوانند هر چند که اگر انتظار هم داشته باشیم بی‌راه نیست چراکه کتاب متن خوش‌خوانی دارد اما حداقل انتظار این است که دانشجویان فلسفه و علوم انسانی این کتاب را خوانده باشند. وی افزود: در بررسی و تحلیل محتوای ۴۷ کتاب و مقاله که در آن به فروغی پرداخته‌اند به این نتیجه رسیدم که اغلب به مشهورات محمدعلی فروغی ارجاع داده شده است. البته این مسأله در کشور ما درباره افلاطون، سقراط و ملاصدرا و هیدگر و ابن سینا و... هم وجود دارد و غلبه مشهورات در این حوزه باعث می‌شود حق بن مایه‌های فکری یک متفکر یا کتاب ایفا نشود.»

شجاعی ادامه داد: «وقتی با برخی از استادان فلسفه درباره این کتاب حرف می‌زدم متوجه شدم بسیاری از استادان حتی از شنیدن برخی از جملات از زبان فروغی تعجب می‌کردند و حتی در بهترین حالت او را آغازگر راهی در این حوزه می‌دانستند. به نظر می‌رسد روش بحث و ادب درس اقتضا می‌کند وقتی از اندیشه و متفکری حرف می‌زنیم در محضر متن بشنیم و اجازه بدهیم متن با ما سخن بگوید و بعد از ملاقات با متن با چه دستاوردی برمی‌گردیم. در واقع کتاب «سیر حکمت در اروپا» گفت وجودی ما و مواجهه ما با غرب است، افزود: صورت‌بندی تاریخی ما در مواجهه با غرب در این کتاب شکل گرفته است.»

وی با اشاره به نامه هفتم افلاطون در جلد سوم مجموعه آثارش اظهار کرد: «افلاطون می‌گوید تنها فلسفه می‌تواند زندگی خصوصی و اجتماعی آدمیان را سامان بخشد. از این رو آدمیان هنگامی از بدبختی رها می‌یابند که یا فیلسوفان راستین زمامدار جامعه شوند یا کسانی که زمام امور جامعه را به دست دارند به فلسفه روی آورند و در آن تعمق کنند.» شجاعی با اشاره به نقل قول‌های دیگری از مولانا در کتاب «فیه ما فیه» و نیز ملاصدرا در آثارش افزوده است که اینها اینها نشان‌دهنده انواع تلقی‌ها از فلسفه و امکانات و توانایی‌های آن است و ببینیم سهم متافلسفه فروغی در غرب‌شناسی ایرانیان چقدر است؟ فروغی نیز در جلد اول کتاب «سیر حکمت در اروپا» بحث را درباره اسکولاستیک مطرح می‌کند. در طبقه‌بندی تاریخ فلسفه بسیار مهم است که ما چه تلقی از این فرایند داشته باشیم. به طور مثال فرایند تاریخ فلسفه را از یونان به دوره معاصر سیر صعودی دانسته و یا اینکه شروع انحطاط بدانیم و از پایان صحبت کنیم و یا اینکه



گفت: تلقی فروغی از حکمت تعریف به مسائل است و می‌گوید انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق در حکمت می‌گنجد. او بین حکمت و فلسفه تفاوت قائل می‌شود و فلسفه را هر تحقیقی در امور عالم می‌داند. فروغی در کتابش دغدغه مبانی را ندارد بلکه بیشتر دنبال مقاصدی است که فلسفه دنبال می‌کند و این از تعریفش درباره فلسفه مشخص است.



و با کمک مرحوم علامه فاضل تونی یکی از رساله‌های ابن سینا (فن سماع طبیعی) را سال ۱۳۱۶ ترجمه می‌کند. به هر حال فروغی در کتابش هشدار می‌دهد که آگاهانه از ورود به مباحث تطبیقی احتراز می‌کند چون می‌خواهد ایرانیان را با فلسفه اروپا آشنا کند. شجاعی به بحث فروغی درباره متافلسفه اشاره کرد و افزود: «اینکه اسم کتاب «سیر حکمت» است قابل تأمل است. آیا تنها به دلیل

این است که ما در تمدن اسلامی حکمت و حکیم داشتیم این لغت آمده یا تفکر اوست؟ به نظر می‌آید این از نوع نگاه فروغی به حکمت است و با این رویکرد بسیاری از مواضع فروغی در کتابش روشن می‌شود. وی تأکید کرد: تفکیک فروغی بین فلسفه و حکمت را به زحمت می‌توان در تاریخ ما پیدا کرد چون کمتر فلاسفه‌ای را از دکارت به بعد داریم که حکیم باشند. از سوی دیگر در سنت اسلامی حکمت معادل صوفیای یونانی است و مترجمان فلسفه را عشق حکمت دانسته‌اند. وی در پایان

بررسی «استعاره» در دومین نشست تخصصی انجمن زبان‌شناسی ایران

دومین نشست تخصصی انجمن زبان‌شناسی ایران با موضوع «استعاره» و سخنرانی دکتر کورش صفوی با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هفتم دی در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی انجمن زبان‌شناسی ایران، دکتر صفوی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، در ابتدا ضمن اشاره به اهمیت جایگاه فلسفه زبان در میان فلاسفه دنیا و رشد تدریجی جایگاه زبان‌شناسی در برابر فلسفه در دنیا گفت: در سنت زبان‌شناسی استعاره روی محور جانشینی مطرح می‌شود و بر حسب مشابَهت، چیزی جای چیز دیگر می‌نشیند و مجاز نیز روی محور هم‌نشینی مطرح است. وی تأکید کرد: «علی‌رغم گسترش اهمیت استعاره در دهه‌های اخیر، تاریخچه استعاره به هزار سال قبل و کتاب «اسرارالبلاغه» عبدالقاهر جرجانی باز می‌گردد. جرجانی در این کتاب از جمله تشبیهی و استعاره سخن می‌گوید. جمله تشبیهی وی از چهار بخش: مشبه، ادات شبهه، مشبه به و وجه شبه تشکیل شده است. کاربرد استعاره با توجه به اصل انتخاب مشبه‌به، به جای مشبه بر اساس تجسم صورت می‌گیرد. دکتر صفوی به نقل از دکتر کدکنی افزود: استعاره از هزار سال پیش بدین شکل حرکت می‌کند تا به ما می‌رسد.»

وی سپس با اشاره به تفاوت درک و شناخت، به بررسی استعاره در معنی‌شناسی شناختی پرداخت و گفت: «در معنی‌شناسی شناختی، تجربه‌ای را از جهان خارج می‌گیریم و تعمیم می‌دهیم. دکتر صفوی ضمن اشاره به نمونه‌هایی از استعاره مفهومی از قبیل: گرما خشم است و یا زندگی سفر است، افزود: استعاره مفهومی در بسیاری از زبان‌ها کارایی ندارد و در زبان فارسی دو طرفه است، یعنی خشم گرما است هم کاربرد دارد. در واقع، مجموعه وسیعی از آن چیزهایی که تحت عنوان استعاره شناختی مطرح می‌شود در حقیقت توسیع معنایی بر اساس مشابَهت است.»

دکتر صفوی در ادامه به تفاوت بین حذف و کاهش و معرفی بافت‌های مختلف زبانی A (بافت درون زبانی، جمله‌هایی که به هنگام ارتباط تولید می‌شوند)، B (جمله‌هایی که در فضای تولید زبان به کار می‌روند و در درک بافت A تأثیر دارند) و بافت C (اطلاعاتی که قبلاً در حافظه ذخیره شده‌اند) پرداخت و افزود: «استعاره زمانی درک می‌شود که جمله تشبیهی در بافت C وجود داشته باشد. یعنی زمانی که جمله‌ای را به صورت تشبیه مطرح می‌کنیم و با کاهش معنایی روبرو هستیم. این انتخاب روی محور هم‌نشینی رخ می‌دهد. در محور جانشینی هیچ واحدی تأثیر معنایی روی واحد دیگر ندارد اما در مقابل در هم‌نشینی، واحدها دائماً روی هم تأثیر می‌گذارند.» در ادامه دکتر صفوی با ارائه مثال‌های متعدد به تبیین مفهوم استعاره در محور هم‌نشینی پرداخت.

گزارشی از نشست «ارتباطات سلامت»

سومین نشست از سلسله مباحث ارتباطات علم با موضوع «ارتباطات سلامت» روز سه‌شنبه، ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۵ با حضور اساتید، دانشجویان و علاقمندان به مباحث میان رشته‌ای رسانه، ارتباطات و سلامت در سالن ادب برگزار شد.

در ابتدای نشست، دکتر محمود کریمی‌علوی، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات ضمن اشاره به سابقه برگزاری نشست‌های قبلی در حوزه ارتباطات سلامت از سخنرانان، اعضای هیأت علمی، دانشجویان و به‌ویژه دکتر اجاق به‌دلیل اهتمام در برگزاری این سلسله

نشست‌ها، قدردانی و ضمن خوشامدگویی به حاضران در جلسه اظهار امیدواری کرد که نشست‌هایی با زیر شاخه‌هایی مرتبط با ارتباطات علم برنامه‌ریزی شود. وی همچنین از برگزاری سلسله نشست‌هایی تحت عنوان گفتگوهای انتقادی در سال آتی خبر داد.

در ادامه، دکتر فرنوش صفوی‌فر، روانپزشک و نویسنده گزارش‌های پزشکی و سلامت در نشریات، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی موضوعات سخنرانی خود را حوزه پزشکی و سلامت (بیمار، بیماری، رابطه بیمار و پزشک) بیان داشت و خاطرنشان کرد که هم اکنون، تعریف سلامتی نسبت به گذشته تغییر کرده است. امروزه، روان و سلامت به کالا تبدیل شده است. بیمار به مثابه مشتری به پزشک مراجعه می‌کند و نگرانی‌های امروز با زمان گذشته فرق کرده است. دغدغه‌های

مخاطبین در حوزه سلامت، موضوعات مورد توجه در رسانه‌هاست. تبلیغات پزشکی و سلامت در رسانه‌ها بیشتر با جنبه کسب سود اقتصادی و تجاری انتشار می‌یابند. رسانه‌های نوین علی‌رغم داشتن امتیازات و فرصت‌های بسیار مثبت، متأسفانه برای مردم آفت‌هایی هم دارند. بعضاً رسانه‌های نوین و رسانه‌های مجازی به‌جای جلوگیری از بیماری و رنج، باعث ترویج آسیب‌های روحی و روانی در میان مردم می‌گردند.

سپس، دکتر شیرین احمدی‌نیا، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی به ایراد سخنرانی پرداخت. وی ارتباطات سلامت را فضای بین رشته‌ای خواند و اظهار داشت که جامعه‌شناسی پزشکی، زمینه ارتباط میان پزشکی و علوم اجتماعی را فراهم کرده است. امروزه، سلامتی مردم، وظیفه و دغدغه اجتماعی به‌شمار می‌آید. شرایط اقتصادی و اجتماعی تعیین‌کننده سلامتی و بیماری‌ها هستند. پزشکی اجتماعی، فهم و شناخت چگونگی تأثیر شرایط اجتماعی بر سلامت مردم و جامعه است. ارتباطات سلامت نیز، اشکال مختلف دارد. در ادامه، حاضرین در جلسه سؤالات خود را از سخنرانان مطرح و جلسه به‌صورت تعاملی میان حضار و سخنرانان ادامه و پایان یافت.



گزارش جلسات دفاع از پایان نامه ها

تحصیلات تکمیلی

جلسه دفاعیه مهدی فرازی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

نقش بازیگران جدید غیر از قدرت های بزرگ و ابرقدرت فراهم آمده است. جنبش های جدید شهروندی، مهاجرت، شرکت های نظامی خصوصی، شرکت های چندملیتی و اشخاص بسیار قدرتمند بازیگرانی جدید هستند که در شرایط کنونی فضای گسترده تری برای ایفای نقش و تاثیرگذاری بر روندهای کنونی جهان را به دست آورده اند.

موضوع سوم آن است که قدرت های نوظهور منطقه ای به سبب فضای گسترده تری که پیش روی آن ها در شرایط گذار در نظام بین الملل فراهم آمده است ظرفیت های بیشتری برای ایفای نقش از جمله برقراری نظم امنیتی در زیرسیستم های نظام بین الملل به دست آورده اند. از این رو نظم امنیتی در زیرسیستم های بین المللی بیش از گذشته به روابط قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای و نظم های ترجیحی آن ها گره خورده است.

موضوع چهارم آن است که نقش و جهت گیری های سیاست خارجی قدرت های منطقه ای در نوع نظامی که در یک منطقه یا زیرسیستم بین المللی برقرار خواهد شد در ارتباط مستقیم است. اینکه یک قدرت منطقه ای کدام جهت گیری - رهبری، حمایت گرایی، پاسداری - یا کدام گونه از جهت گیری - تجدیدنظر طلبی یا حافظ وضع موجود، یک جانبه گرا یا چندجانبه گرا، کنشگری فعال یا کنشگری واکنشی - را در دستور کار خود در منطقه قرار دهد سبب شکل گیری گونه خاصی از نظم در زیرسیستم منطقه ای خواهد شد.

برآیند مطالب پیش گفته آن است که ایران به عنوان یک قدرت نوظهور منطقه ای، ظرفیت های بیشتری را نسبت به گذشته برای ایفای نقش و تاثیرگذاری بر تحولات منطقه ای و بین المللی از جمله برقراری نظم در منطقه غرب آسیا به دست آورده است. در صورتی که نقش و جهت گیری سیاست خارجی ایران مبتنی بر ظرفیت های فعلی قدرت آن در دستور کار قرار گیرد، اولویت نقش منطقه ای ایران تلفیقی از پاسداری - حمایت گرایی است و همین نقش سبب تقویت

تاریخ برگزاری: ۹۵/۱۱/۲۵

موضوع: هندسه نوین جهانی و جایگاه قدرت ایران در نظام بین الملل در حال گذر

استادان راهنما: دکتر سید محمد کاظم سجادیپور، دکتر عبدالرحمن حسینی فر

استادان مشاور: دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی، دکتر محمود جنیدی

استادان داور: دکتر یحیی فوزی، دکتر فرهاد قاسمی، دکتر بهادر امینیان

این جلسه مورخ ۹۵/۱۱/۲۵ ساعت ۸:۳۰ صبح با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث اندیشه سیاسی و روابط بین الملل در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه، دانشجو در ۲۰ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، در خصوص مهمترین نکات طرح شده در رساله حاضر به بیان نتایج و دستاوردهای رساله خود به شرح ذیل پرداخت:

موضوع نخست آن است که در شرایط متحول نظام بین الملل، شاهد تحول مفاهیم کلیدی سیاست بین الملل از جمله قدرت هستیم. در شرایط کنونی ارائه تعاریف سنتی از قدرت - قدرت منبع محور - دیگر پاسخگو نیست بلکه تعاریف جدید مبتنی بر نحوه تبدیل پذیری عناصر قدرت سخت و نرم به نتیجه مطلوب از طریق راهبردهای اتخاذ شده توسط یک کشور است که تعریفی جدید از قدرت با عنوان قدرت رفتار محور را ارائه می نماید.

موضوع دوم آن است که متاثر از شرایط گذار در نظام بین الملل، ظرفیت و زمینه لازم برای کنشگری و ایفای



جهت‌گیری‌های چندجانبه‌گرا و کنشگری فعال خواهد شد. در ادامه جلسه آقای دکتر فوزی، داور داخلی رساله به نقد و ارزیابی رساله پرداختند. ایشان با تأکید بر روزآمد بودن و مسئله‌محور بودن رساله، به برخی از نقاط مبهم و ضرورت شفاف‌سازی و پالایش موضوعات در رساله پرداختند. ایشان یکی از نکات مورد نظر جهت بازنگری در رساله را باز ترسیم چارچوب نظری رساله مبتنی بر بحث‌های فصول سوم و چهارم دانستند و اشاره داشتند با توجه به تمرکز بر بحث بر نظم و نقش قدرت‌های منطقه‌ای، بهتر است مباحث طرح شده نظری در فصول متأخر، به فصل نخست منتقل شود. ایشان همچنین در زمینه یافته‌های پژوهش به طرح این سوال پرداختند که آیا پیگیری نقش پاسداری حمایت‌گرایی سبب کوتاه آمدن ایران از انقلابی‌گری و آرمان‌های سیاست خارجی خود نخواهد شد؟

دکتر قاسمی داور مدعو خارجی نیز در ادامه به ارائه ارزیابی خود از رساله پرداختند. ایشان با اشاره به تکثر مفاهیم مورد اشاره در این رساله تأکید داشتند که ضرورت دارد مفاهیم پژوهش حاضر بصورت شفاف‌تری تعریف شوند. ایشان همچنین اشاره داشتند که بررسی دینامیک‌هایی که سبب شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای در نظام بین‌الملل در حال گذار خواهند شد بر اساس الگوی ارائه شده از سوی مدالسی می‌تواند به تبیین بیشتر فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی قدرت‌های منطقه‌ای بپردازد. ایشان همچنین عبور از تعریف جغرافیایی منطقه و ارائه تعاریف مبتنی بر فضا که بر پایه شبکه‌ی منطقه‌ای است را پیشنهاد دادند. همچنین بررسی تداخل الگوهای نظم منطقه‌ای و نظم ترجیحی قدرت‌های بزرگ موضوع دیگری است که می‌توانست مورد تأکید در رساله قرار گیرد.

دکتر امینیان داور دوم مدعو خارجی نیز در ارائه نظرات و ارزیابی خود از رساله به ارائه برخی از مشکلات شکلی رساله از جمله ضرورت تنظیم مقدمه و نتیجه‌گیری برای همه فصول پژوهش اشاره داشتند. ایشان همچنین ضرورت پالایش بیشتر ادبیات مورد بررسی در پژوهش حاضر و تصحیح برخی از ارجاعات در فصول را مورد تأکید قرار دادند. دانشجو ضمن پذیرش برخی از اصلاحات مورد تأکید هیات داوران، در دفاع از رساله خود اظهار داشت که هدف رساله حاضر تلاش برای بهره‌برداری از رویکردهای نظری مختلف و در نهایت دستیابی به یک مدل تحلیلی بود تا بتوان به نقش بزرگتر قدرت‌های منطقه‌ای در نظام بین‌الملل در حال گذار اشاره نمود.

دکتر جنیدی مشاور رساله نیز در ارائه نظرات خود بر ضرورت تأکید بر مرزهای نامرئی در نظام بین‌الملل همچون تحولات

بیداری اسلامی اشاره داشتند. ایشان مسئله‌محور بودن رساله و تلاش دانشجو برای پاسخگویی به برخی از مسائل روز را از نقاط قوت این رساله دانستند اما خاطر نشان ساختند که انجام برخی از اصلاحات مورد نظر داوران، می‌توان گفت رساله دارای نقاط قوت بیشتری خواهد شد.

دکتر حسینی‌فر استاد راهنمای دوم رساله نیز با دغدغه‌مند دانستن رساله، آن را گامی رو به جلو دانست و ماحصل کار دانشجو را پرداختن به نظریات مختلف در چارچوبی آینده‌پژوهانه برای پاسخگویی به برخی از مباحث روز در حوزه سیاست خارجی دانست. دکتر حسینی‌فر همچنین در پاسخ به نظر استاد داور به منظور بهره‌بردن از مقوله فضا در خصوص منطقه، اظهار داشت که مکان‌مند بودن پژوهش از اولویت‌های مورد نظر و مصوب پژوهشگاه بوده است.

دکتر سجادی‌پور در پایان جلسه ضمن تشکر از همه اساتید داور، راهنما و مشاور رساله دانشجو را در پژوهشی مبتنی بر مطالعات تحلیلی دانست که دانشجو تلاش نموده است با دغدغه‌ای جدی به بررسی وضعیت نظام بین‌الملل در حال گذار و نظم در منطقه غرب آسیا بپردازد. دکتر سجادی‌پور پژوهش را حاوی نظرانی جدید دانست که انجام برخی از اصلاحات مورد اشاره داوران می‌تواند به بهبود آن کمک نماید. دکتر سجادی‌پور رساله دارای انسجام دانست و اظهار داشت یکی از نقاط قوت رساله را باید در مفهوم‌پردازی و تمرکز رساله بر نقش ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای برای ترسیم نظم آتی منطقه و در نهایت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی دانست. پردازش مفهوم قدرت با استفاده از پارامترهای کمی و کیفی، توضیح بیشتر رابطه میان نظم منطقه‌ای و نظام جهانی، بررسی بیشتر رابطه میان نقش و نظم در مناطق جغرافیایی و پرداختن به حوزه ادبیات پژوهش با در نظر گرفتن مسئله فضا درباره مناطق جغرافیایی اصلاحاتی بود که مقرر شد دانشجو در نسخه نهایی رساله مورد نظر قرار دهد.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۸/۷۵ و درجه بسیار خوب به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته علوم سیاسی تشخیص دادند.



جلسه دفاعیه مهدی رسولی فینی

رئیس‌جمهوری دکتری علوم سیاسی

تاریخ برگزاری: ۹۵/۱۱/۲۶

موضوع: عقلانیت سیاسی در قرآن کریم

استادان راهنما: دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، دکتر عبدالرحمن حسنی فر

استاد مشاور: دکتر محمود جنیدی جعفری

استادان داور: دکتر قیس آل قیس، دکتر مالک شجاعی، دکتر ابوذرا مظاهری

این جلسه مورخ ۹۵/۱۱/۲۶ ساعت ۲ بعد از ظهر با حضور هیأت داوران رساله و نیز جمعی از علاقمندان به مباحث عقلانیت سیاسی در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی واقع در بزرگراه خیابان کریمخان برگزار گردید. ابتدا، اساتید راهنمای رساله آقایان دکتر لسانی و دکتر حسنی فر به بیان مهمترین نقاط قوت رساله پرداختند. سپس دانشجو در مدت بیست دقیقه به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان او به شرح ذیل است:

منازعات اندیشمندان علوم انسانی، بر سر مفاهیم مطرح در این وادی را پایانی نیست. دو مفهوم «سیاست» و «عقلانیت» نیز از این منازعه ممتد به دور نمانده‌اند. از آنجا که بر سر معنا و محدوده این دو مفهوم اجماعی وجود ندارد، بر سر محل تلاقی آن دو یعنی «عقلانیت سیاسی» هم اشتراک نظری به چشم نمی‌آید.

یکی از دشوارترین مراحل این پژوهش، انتخاب تعریفی از مفهوم عقلانیت سیاسی بود. غالب تعاریف موجود دارای مبانی و جهت‌گیری‌های خاص ارزشی بودند. تلاش شد در آغاز تعریفی نسبتاً خنثی از عقلانیت سیاسی ترسیم شده تا در ادامه، با مبانی و جهت‌گیری‌های ارزشی قرآن کریم شکل و جهت‌دار شود. بر این اساس، عقلانیت سیاسی، به عنوان عقلانیتی کلی در نظر گرفته شده که در چارچوب یک عقلانیت جامع تعریف و در حوزه سیاست پیگیری می‌شود.

کنکاش مفهوم عقلانیت سیاسی در قرآن کریم نیازمند چارچوب‌های نظری و روشی خاص است. در این پژوهش نظریه جهت‌داری و امکان اسلامی شدن علوم (به‌ویژه علوم انسانی) به رسمیت شناخته شده. در خصوص چگونگی تحقق این امکان، از میان دو دیدگاه کلی تهذیبی و تأسیسی، دیدگاه تأسیسی پذیرفته شد.

یکی از انواع ارتباط با قرآن که اهل بیت (ع) بر آن تأکید داشته و بر لزوم آن تصریح نموده‌اند، رویکرد استنتاج است. در این پژوهش، به منظور استنتاج از آیات قرآن، روش پیشنهادی در کتاب «روش

تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، تألیف دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و دکتر حسین مرادی زنجانی انتخاب شده است.

بررسی آیات قرآن نشان داد که از منظر کلام الهی، علاوه بر باورها و رفتارها، اهداف و ارزش‌ها نیز می‌توانند با سنجه عقلانیت سنجیده شوند. بر این اساس بررسی شاخص‌های عقلانیت در حوزه باورها، رفتارها و اهداف و ارزش‌های سیاسی به عنوان سرفصل‌های پژوهش تعیین شدند. سپس به پیشنهاد یکی از اساتید علوم سیاسی، بررسی شاخص‌های عقلانیت ساختارهای سیاسی هم به سرفصل‌های پیشین افزوده شد.

پس از آنکه مطابق روش انتخابی، کار فیش برداری اولیه به پایان رسید، مراجعه به برخی منابع تکمیلی از جمله تفسیر المیزان و تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی در دستور کار قرار گرفت و سپس کار نگارش رساله آغاز شد. در نسخه نخستین رساله، صرفاً به بیان دیدگاه‌های قرآن اکتفا شده و اشاره‌ای به نظریات مدرن و وجوه افتراق این دو نشده بود. با پیشنهاد استاد راهنمای دوم، جناب آقای دکتر حسنی فر و به منظور نزدیک ساختن ادبیات رساله به ادبیات رایج علوم سیاسی، در خصوص هر مبحث به نظریات مدرن نیز اشاره شد. به این ترتیب جایگاه نظریه قرآن در میان نظریات رقیب و محل نزاع آنها، شکلی شفاف‌تر به خود گرفت.

از میان داوران محترم، ابتدا دکتر قیس آل قیس دیدگاه خود را درباره رساله بیان کرد. ایشان پرداختن به آرای متفکرانی نظیر نصر حامد ابوزید، محمد ارکون، و عابدالجباری را از نقاط قوت رساله برشمرد و سپس اشکالاتی را در خصوص اعراب‌گذاری و رسم الخط آیات قرآن کریم در متن رساله مطرح کرد.

در ادامه، دکتر مظاهری نقدها و نکاتی را در خصوص فصل دوم تحقیق بیان کرد. اهم نکات و نقدهای ایشان عبارتند از:

– مشخص نبودن موضع رساله در خصوص آرای متفکرانی که به آن‌ها پرداخته شده است.

– پرداخته نشدن به آرای آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح یزدی، علامه طباطبایی و علامه جعفری در خصوص عرضه عقلانیت مستقل از سوی قرآن

– پرداخته نشده به رابطه ی علم و دین، و عقل و وحی.

دکتر مظاهری همچنین از دانشجو خواست هر چه زودتر نسبت به انتشار رساله در قالب کتاب اقدام کند.

سپس دکتر مالک شجاعی، پرداختن به موضوع عقلانیت سیاسی را نیازمند ورود همزمان به شش حوزه مطالعات قرآنی، مطالعات سیاسی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و غرب‌شناسی دانسته و از این حیث کار انجام گرفته را کاری مهم و دشوار قلمداد کرد. ایشان از سیال بودن مساله پژوهش انتقاد کرد و در خصوص تغییر فصل‌بندی رساله نیز پیشنهاداتی ارائه داد.

پس از پایان سخنان اساتید داور، دکتر جنیدی اصالت تحقیق و تکراری نبودن مطالب و شیوه آن را از نقاط قوت آن برشمرد و دکتر لسانی پرداختن به برخی پیشنهادات اساتید داور را غیر ممکن و نیازمند تألیف رساله‌ای مستقل با موضوعی تازه عنوان کرد. دانشجو نیز در سخنانی کوتاه، محدودیت زمانی را مهمترین مشکل خود در زمان نگارش رساله عنوان کرد.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره نوزده و نیم و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته علوم سیاسی تشخیص دادند.





مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچانی، محسن باباخانی، شهرام اصغری

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال تلگرام @ihcss